



# انترناسیونال ۳۹۹

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۶ مه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

## استقبال گسترده از مینا احدی در برزیل



کیوان جاوید: گفتگویی داریم با مینا احدی که هم اکنون در سفر برزیل هستند. مینا احدی با سلام به شما.

مینا احدی: سلام عرض میکنم خدمت شما و بینندگان برنامه تان.

صفحه ۴

گسترده ای در کشور برزیل داشته و رسانه های مختلفی در مورد آن صحبت کرده اند. کیوان جاوید در تلویزیون کانال جدید مصاحبه ای با مینا احدی داشته است که همکار ما هادی وقفی آن را برای انترناسیونال پیاده کرده است.

هفته گذشته مینا احدی به برزیل دعوت شده بود تا در کنفرانسی در ارتباط با حقوق بشر و آزادی شرکت کند. شرکت او در این کنفرانس برای تشریح وضعیت حقوق بشر در ایران و معنای آزادی است. این کنفرانس انعکاس بسیار

## مرگ مجدد بن لادن!



حمید تقوایی

بعد از اعلام خیر کشته شدن بن لادن بدست کوماندوهای آمریکائی شایعات زیادی در مورد نحوه انجام عملیات و حتی صحت و سقم این خبر رواج پیدا کرده است. از موضوع مسلح بودن یا نبودن بن لادن تا دلایل عدم انتشار عکس جسدش تا احتمال کشته شدن بدل بن لادن بجای خود او و تا تئوریهای توطئه ای نظیر اینکه کل قضیه یک تبلیغات انتخاباتی به نفع اوپاما است و بن لادن کشته نشده است و غیره همه موضوع شایعات مختلف است. این نوع حدس و گمانه زنیها بیشتر بیانگر موضع سیاسی افراد است تا حقیقت ماجرا اما در این میان شایعه ای بر سر زبانها است که گویای واقعیت مهمی است. میگویند اسامه بن لادن مدتها قبل کشته شده بوده است و دولت آمریکا بدلائل مختلف از جمله وضعیت اسفبارش در افغانستان و کل منطقه و نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و کاهش محبوبیت اوپاما و غیره امروز مساله را رو کرده است. پاکرفتن چنین شایعه ای گرچه بسیار نامحتمل است اما حقیقتی را در مورد موقعیت تروریسم اسلامی و کل اسلام سیاسی بیان میدارد. این حقیقت که بن لادن و کل اسلام سیاسی که القاعده بخشی از آنست در چند سال اخیر و بخصوص در تحولات انقلابی 6 ماه اخیر در کشورهای اسلامزده چنان ساکت و صامت و بی تاثیر بوده است که میتوان تصور کرد بن لادن از مدتها قبل مرده بوده است! نفس وجود چنین شایعه ای مبین آنست که بن لادن هر زمان مرده باشد مرگ سیاسی وی و جریان سیاسی که وی نماد و مظهر آن بود مدتها قبل از عملیات کماندوهای امریکائی رخ داده بوده است. و این مرگ سیاسی واقعیتی است بدور از هر صفحه ۱۲

## مرگ بن لادن و سرعت گرفتن افول اسلام سیاسی

مصاحبه با کاظم نیکخواه

همانطور که در اطلاعیه حزب کمونیست کارگری آمده تجسم تروریسم به مفهوم دقیق کلمه بود. تروریسم همیشه ابزار کشتار

انترناسیونال: کاظم نیکخواه بن لادن کشته شد. اهمیت این رویداد را شما چگونه می بینید؟ کاظم نیکخواه: بن لادن

صفحه ۳

## جنبش کارگری ایران در یک دوره تعیین کننده و تاریخ ساز

دوره ای مانند امروز صف حاکمان اسلامی و دشمنان طبقه کارگر و مردم، به این اندازه در

محمد آسنگران جامعه ایران وارد دوران تحولات جدی و تعیین کننده ای شده است. در سه دهه گذشته هیچ

صفحه ۲

## نگاهی به اول مه امسال

کارگران به طرحهای ریاضت اقتصادی دولتها را میشد دید. کارگران در این کشورها در سال

شهلا دانشفر اول مه ویژه بود. در مراسمهای این روز در کشورهای اروپایی فضای گسترده اعتراض

صفحه ۱۰

## صفحات دیگر

به کمپین ۲۰ ژوئن در حمایت از زندانیان سیاسی پیوندیم

صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی و "هدفمند کردن یارانه ها"

محمد شکوهی، صفحه ۱۳

اسامه بن لادن به قتل رسید، صفحه ۱۴

اعتصاب مجدد هزاران کارگر ۵ پتروشیمی ماهشهر

صفحه ۱۱

اعتصاب دو مرکز کارگری در سندج، صفحه ۸

شیرکو زنده است....، صفحه ۱۱

اول مه سرخ و با شکوه در سندج کارگران و مردم مبارز سندج اول مه باشکوه برگزار کردند هزاران نفر به مناسبت اول مه دست به تظاهرات و تجمع زدند صفحات ۹-۷ ارزیابی از اول مه ۱۳۹۰ ایران، صفحه ۱۴



## بازتاب هفته

زندانیان سیاسی

بهروز مهرآبادی

یک قتل دیگر اینبار به خاطر حجاب

یاشار سهندی

چند خبر از اعتراضات کارگری

کوچ "سبز" به کمپ احمدی نژاد، همراه اجنه

بهروز مهرآبادی

فراخوان به گرامیداشت یاد فرزند کمانگر، شیرین علم هولی، مهدی اسلامیان، فرهاد و کیلی و علی حیدریان

صفحه ۶

صفحات ۶-۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## جنبش کارگری ایران در ...

از صفحه ۱



هم ریخته و مشتت و بی آینده نبوده است. در عین حال هیچ دوره ای صف کارگران و مردم آزادخواه تا این حد به قدرت خود و سهم خود از زندگی خود آگاه نبوده است. دوران پرتلاطمی آغاز شده است. دوره بپاخاستن توده‌های عظیم مردم علیه حکومت اسلامی سرمایه داران. بروز عظیم این خیزش توده ای را در سال ۸۸ دیدیم. دوره دخالت توده مردم تحت ستم برای بدست گرفتن سرنوشت خویش، دوره جدالهای تعیین کننده بر سر سهم از زندگی، بر سر سهم از آزادی و رفاه و سعادت و بر سر حاکمیت و قدرت سیاسی و شکل دادن به آینده ایران به طور جدی آغاز شده است.

بخش موثر و تعیین کننده ای از طبقه کارگر در پتروشیمیهای ماهشهر و بدنبال آن تحرك وسیع و جدی در اول مه روز جهانی کارگر، جامعه متلاطم ایران وارد مرحله تازه ای شده است. این نشانی از بیداری غول خفته است.

جنبش کارگری با اعتصاب و اعتراض کارگران پتروشیمی های ماهشهر، و قبلتر اعتراضات کارگران ایران خودرو، کیان تایر و دیگر مراکز کلیدی کارگری وارد فاز جدیدی از مبارزه علیه دستگاه سرکوب و استثمار شده است. اما اول مه و حرکت متحدانه تشکلهای کارگری و بخشهای مختلف دیگر مراکز کارگری این روند را بیش از پیش تقویت کرد. اگر چه هنوز تنها بخش کوچکی از طبقه کارگر استارت این فاز جدید را زده است، اما شکی نیست تاثیرات عمیق و همه گیر این اعتراضات و اخیرا تحركات اول مه، کل جنبش کارگری و کل جامعه را عمیقا تکان خواهد داد.

کارگران پتروشیمیهای ماهشهر همانند به میدان آمدن کارگران نفت در انقلاب ۵۷ اگر چه در بعد محدودتری اما قدرت و نقش تعیین کننده جنبش کارگری را جلو جامعه گذاشتند. تحرك و اعتراضات کارگری همیشه وجود داشته است، اما قدرتمایی جنبش کارگری این بار در پتروشیمیها با به عقب راندن وزیر و وکیل رژیم اسلامی در ماهشهر بیش از همیشه نوید بخش بود، و راه پیروزی و سعادت و خوشبختی کل جامعه را نشان داد.

مراسمهای کارگری و متحد ظاهر شدن بخش قابل توجهی از تشکلهای کارگری به مناسبت اول مه و قدرتمایی کارگران پتروشیمی، همگی جهت و نوع سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی را نشان داد. این حرکت و تقابل رژیم اسلامی با آن يك بار دیگر تاکیدي بر این بود که راه رهایی طبقه کارگر و مردم تحت ستم از فقر، تبعیض و نابرابری، در قدم اول از راه سرنگونی کل این نظام حاکم با همه جناحهایش میگذرد. ادامه این تحرك و قدرتمایی جنبش کارگری، در قدم اول جنبش اصلاح طلبی حکومتی را کنار میزند و حاشیه ای میکند. حکام اسلامی را بیش از پیش چند شقه و به سرنگونی نزدیکتر میکند.

اما تحولات امروز ایران و نقش طبقه کارگر و کمونیسم در این تحولات فقط بر سر بود و نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که آینده قدرت سیاسی و هژمونی و حاکمیت کدام افق طبقاتی در فرای این تحولات نقش اصلی را بازی کند. اینککه در آینده ایران میلیونها انسان در آن جامعه چگونه خواهند زیست، جنبشهای سیاسی و طبقاتی با افقهای متفاوت و مختلف آنرا از همین امروز ورق میزنند. آینده دارد امروز ساخته میشود. انتخابی بزرگ و تعیین کننده دارد صورت میگیرد. این آینده را میتوان و باید با يك افق کارگری، انسانی و برابری طلبانه ساخت.

اگر این افق شکست بخورد، جامعه شاهد تکرار همان گذشته نکتبناز شبیه دوره حاکمیت رژیمهای سلطنتی و اسلامی در قالبی جدید خواهد بود. اما اگر طبقه کارگر و کمونیسم امروز به عنوان نیروی اصلی قطب آزادیخواهی و برابری طلبی پیروز بشود دوران تازه ای نه تنها در ایران بلکه در جهان برای قدم گذاشتن به دوران رهایی انسان از بردگی مزدی عملا آغاز میشود.

طبقه کارگر و کمونیسم در ایران میتواند آغازگر این نقش تاریخی و تحول بخش باشد. میتواند نوید بخش و پیشقراول این تحول تاریخ ساز باشد و آنرا با پیروزی خود در ایران آغاز کند. آنگاه آینده شاهد برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. يك جامعه انسانی و سوسیالیستی.

نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر يك جنبش عظیم برای آزادی و برابری در ایران فراهم شده است را باید دریافت. جامعه و زندگی میلیونها انسان تحت حاکمیت سرمایه داری، با حاکمیت قوانین استثمارگرانه، در مناسبات اقتصادی نابرابر، در فرهنگ تبعیض آمیز این نظام، بر مبنای منافع سود و سرمایه سازمان داده شده است. حاکمیت این نظام ظالمانه با قوانین و فرهنگش، زندگی کارگران و توده های میلیونی مردم زحمتکش را با بیحقوقی و محرومیت و فرودستی و بی تأمینی و گرسنگی تعریف کرده

است.

اما بشریت مدرن و متملن نقش جنبش کارگری و پرچم کمونیسم کارگری را با رهایی از قید و بندهای این نظام، با آزادیخواهی، با برابری طلبی، آزاد اندیشی، عدالت اجتماعی، خرافه ستیزی و رفاه و رهایی انسان در بند تداومی میکنند. اکنون در ایران يك فرصت کم نظیر تاریخی فراهم شده است که طبقه کارگر و کمونیسم در ایران میتواند و این شانس را دارد که پرچم رهایی جامعه را به اهتزاز در آورد و افق رهایی انسان را به افق اعتراضات موجود در جامعه تبدیل کند.

طبقه کارگر و کمونیسم کارگری میتواند جامعه را از زیر سلطه جنبشهای اسلامی و ناسیونالیستی، احزاب و طبقات حاکم رها کنند و به این زندگی تبعیض آمیز پایان دهند. با تحولاتی که جامعه ایران وارد آن شده است این فرصت را به کارگر و کمونیسم میدهد که بتواند يك جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی را در ایران بنا کند. برای ایفای این نقش، برای سازماندهی و رهبری يك انقلاب عظیم علیه جمهوری اسلامی و کل نظام سرمایه داری باید به میدان آمد.

پروژه سرنگونی رژیم اسلامی مدتها است که آغاز شده است. اما هیچ گاه به اندازه امروز صف اوپاش اسلامی در راس حکومت مشتت و در هم ریخته و بی افق نبوده است. در عین حال هیچگاه خواست سرنگونی رژیم اسلامی به اندازه امروز سراسری و قابل تحقق نبوده است. توده های میلیونی مردم برای سرنگونی این رژیم لحظه شماری میکنند و از هر امکاني برای به عقب راندن دشمنانشان استفاده میکنند. این تحولات و این توقعات در ابعاد میلیونی رهبران و فعالین جنبش کارگری و کل طبقه کارگر را به میدان رهایی فرامیخواند.

سی و دو سال قبل سرنگونی رژیم شاه و در هم شکستن تاج و تخت سلطنت هنگامی قطعی شد که کارگران صنعت نفت، در راس کل طبقه کارگر ایران، بعنوان رهبر جامعه پا به میدان گذاشتند. امروز جامعه ایران به چنان دوران نقطه عطف تعیین کننده ای نزدیک شده است. بنابر این يك وظیفه مهم و تاریخی بر دوش طبقه کارگر و بویژه فعالین و رهبران کارگری و جنبش کمونیسم کارگری قرار میگیرد.

دوست و دشمن همه میدانند که اگر کارگر صنعت نفت، پتروشیمی و گاز که ارتباط ارگانیک با هم دارند به

میدان بیابند کل جنبش کارگری و جامعه ایران را پشت سر خود خواهند داشت. آن هنگام است که کل اردوی ارتجاع، با همه دستگاههای تبلیغی، با همه ارگانهای سرکوب مانند ارتش و سپاه و بسیج و غیره... و با همه خیل آخوند عمامه و بی عمامه تکلیفشان بسرعت یکسر خواهد شد.

کارگران! رهبران و فعالین جنبش کارگری ایران!

جبهه آزادی خواهی و برابری طلبی و رهایی انسان از همه قیدوبندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در ایران چشم بشما دوخته است. زمان و لحظات تعیین کننده و نقطه عطفهای مهم به سرعت دارند از جلو چشم همه ما عبور میکنند. صحنه های دلخراش از زندگی تحمیلی به مردم و چشمهای امیدوار برای تغییر این زندگی نکتت بار در هم آمیخته و به شما دوخته شده است. اکنون زمان و لحظات تعیین کننده در تاریخ ایران آغاز شده است. این فرصتها هر زمان قابل تکرار نیست. لازم است روح این دوران تحولات جدی را دریابیم. این دوران لحظات تعیین کننده ای است که وسیع ترین و قاطعانه ترین دخالت طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری در صحنه سیاست ایران را میطلبد.

اوضاع سیاسی امروز ایران فرصتی را برای ما کمونیستها و کل جنبش کارگری و جنبش رهایی انسان فراهم کرده است که يك حرکت تاریخساز برای پس زدن و شکست گرایشات و جنبشهای بورژوازی و حکام سرمایه را آغاز و به پیروزی برسانیم. این امر مهم در قدم اول يك اراده انقلابی و مصمم را لازم دارد. ما میتوانیم و قدرتش را داریم بشرطی که روح زمان خود را متوجه باشیم. ما میتوانیم و این يك وظیفه تاریخی و طبقاتی است که بر دوش طبقه کارگر و کمونیستهای کارگری قرار گرفته است. این تحول را میتوان با نتایج دگرگون کننده ای در ایران و در سطح بین المللی همراه کرد. ما نباید این فرصت را از دست بدهیم. حزب کمونیست کارگری همراه فعالین و رهبران و سخنگویان کارگری وظیفه خود میدانند که در جدال قدرت همه جا حاضر باشد و با قدرت تمام در این جنگ ضمن دفاع از منافع طبقه کارگر و مردم تحت ستم در مقابل همه گرایشات بورژوازی بایستد. \*

## مرگ بن لادن و سرعت گرفتن ...

از صفحه ۱



کازم نیکخواه

از آن سربلند کند و در قدم اول به احتمال زیاد شقه شقه شده و زیاد طول نخواهد کشید که متلاشی خواهد شد. اما اهمیت این رویداد فقط به القاعده و حتی به گروه های تند رو و تروریست محدود نمیشود. کل جنبش اسلامی با قتل بن لادن تضعیف خواهد شد. بن لادن در اذهان بسیاری، به سمبلی برای قدرتمندی اسلام و شکست ناپذیری جنبش های اسلامی در برابر غرب تبدیل شده بود. مرگ او این فضای "مساعده" روانی را برای کل جنبش اسلامی که پیش از این نیز به حضيض افتاده بود کور میکند. میرندگی آنها را جلوی چشم میگذارد. سربازگیری آنها را با مانع روبرو میکند. و برعکس امیدواری به پایان دوره تروریسم و جنگ تروریستها را در میان مردم جهان تقویت میکند. برای نیروهای انسان دوست و ضد تروریسم فضای مساعد تری برای نیروگیری و رشد ایجاد میکند.

اینها طبعاً تأثیرات خود بخود این رویداد است. اینکه واقعیت چگونه پیش رود بستگی به نقش نیروها و جنبشهای مختلف دارد. جنبش اسلامی سعی میکند از این رویداد بهره برداریهای خود را بکند و فضای جوامع را تحت الشعاع قرار دهد. سعی میکند چند صباحی تعصبات را دامن بزند و دست به ترورهای جدیدی بزند و غیره. حکومت آمریکا هم سعی میکند از این رویداد برای امر و مصالح خود استفاده کند و در جهت سیاستهای سلطه جویانه خود از آن استفاده نماید. اما همانطور که اطلاعیه حزب هم تأکید میکند هیچکدام از این دوسوی جنگ تروریستها برد چندان از این نوع تلاشها نخواهند داشت. سیاستهای آمریکا قبل از این شکست خورده و طراحانش که اساساً نئوکنسرواتیستها بودند با سرشکستگی به حاشیه رانده شدند. سیاستهایشان در عراق و افغانستان نفرت و خشم مردم و بویژه مردم آمریکا را بدنبال داشت. نقشه های بسیار شومی داشتند که خوشبختانه و با مخالفت و اعتراض مردم متممن جهان عملی نشد و شکست خورد و دیگر بسادگی قابل ترمیم و بازگشت نیست. حتماً در

رقابتهای انتخاباتی آمریکا حزب دموکرات و اوپاما میتوانند از کشتن بن لادن به نفع خود استفاده کنند. اما کسی نمیتواند از این پیروزی کل رسوایی و شکست سیاست نظم نویسی را جبران کند و دوباره جلو بکشد. در این تردیدی نباید داشت.

**انترناسیونال:** در اطلاعیه حزب در این مورد به افول اسلام سیاسی اشاره شده و اینکه این رویداد روند افول اسلام سیاسی را تسریع میکند. آیا منظور اینست که اسلام سیاسی دیگر بازیکن صحنه سیاسی نخواهد بود؟ منظور از افول اسلام سیاسی چیست؟

**کازم نیکخواه:** افول اسلام سیاسی از خیلی وقت پیش از این شروع شده بود. بگذارید اول خیلی کوتاه یادآوری کنم که عروج و به میدان آمدن اسلام سیاسی در این دوره که با روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران شروع شد، محصول جنایت بار و ضد بشری سرمایه داری غرب است. دولتها و سازمانهای اطلاعاتی غرب و در راس آنها آمریکا، برای عقب راندن چپ و آزادیخواهی و همچنین مقابله با رقیبای بلوک شرق و شوروی، دستجات اسلامی عقب مانده و کپک زده و متعفن و ضد بشری را از زیر خاک بیرون کشیدند، پروپال دادند، خیلی ها را اساساً خلق کردند، آموزش دادند، حمایت کردند، مسلح کردند و به میدان فرستادند. اینها امروز فاکت است. خمینی توسط غرب به جلوی صحنه رانده شد، القاعده توسط سیا و دولت آمریکا خلق شد، دستجات اسلامی در افغانستان توسط غرب سازمان داده شدند، طالبان توسط غرب و هم پیمانان پاکستانی اش ایجاد شد. و فکر نمیکنم استثنائی در این زمینه در این دوره وجود داشته باشد. به میدان آمدن و قدرت گرفتن این جنبش کثیف تشنه خون و مرگ، متحجر، ضد زندگی، ضد کمونیسم، و ضد علم و ضد انسانیت، تاریخ را واقعا برای يك دوره میشود گفت عقب راند. ارزشها را پایین آورد. گفتمان ها را تغییر داد. بشر و زندگی و منزلت انسانی را کم رنگ کرد. نه فقط در حوزه عمل این جنبش اسلامی، بلکه در اقصا نقاط جهان نیروهای پیشرو و سکولار و انسان دوست مجبور شدند در آخر قرن بیستم و اول قرن بیست و یک برای چیزهایی جدال کنند که در اول قرن بیست و بعضاً حتی یکی دو قرن پیشتر از آن بعنوان دستاورد تثبیت شده بشر جا افتاده بود. یا برسمیت شناخته شده بود. خود ایران تحت

حاکمیت جمهوری اسلامی و اینکه ما مجبوریم علیه اعدام و سنگسار و ترور و صیغه و ازدواج کودکان و شکنجه و آپارتاید جنسی و زندگی زیر خط فقر مبارزه کنیم يك نمونه گویاست. اینکه چپها و کمونیستها مجبور شدند حتی در اروپا و آمریکا علیه قوانین شریعه و ختنه دختران و قتلهای ناموسی و حجاب کودکان و امثال اینها مبارزه کنند يك نمونه دیگر است. هنوز هم این جدال تمام نشده است. بهررو با فریاد بلوک شرق و پایان جنگ سرد و مشکلاتی که جنبش اسلامی برای خود سرمایه داری غرب ایجاد کرد، تاریخ مصرف این جریانها تمام شد. غرب تمام شد و از اینجاست که شاهد این هستیم که جنبش اسلامی وارد فاز تروریسم و کشتار بی رحمانه میشود و یا بهتر است بگویم این ظرفیت قدیمی خود را تماماً به کار میگیرد. تروریسم برای جنبش اسلامی نبرد مرگ و زندگی بود. منظور اینست که برخلاف آنچه برخی رگه های این جنبش مثل سران جمهوری اسلامی در ایران تبلیغات میکردند من فکر نمیکنم که اینها آنقدر کودن بوده باشند که این چشم انداز را بطور واقعی مقابل خود میدیدند که روزی جهان را اسلامی کنند یا بر بخش اعظم جهان سلطه یابند و یا نفوذ پیدا کنند. اساساً میدانستند که باید بروند به این دلیل که با کنار رفتن حمایت غرب، زمینه دیگری در دنیای مدرن و پیشرفته امروز برای خود نمیدیدند و نمی بینند. این جوهر روی کرد این جریانها به تروریسم کور است. چه خود بدانند چه ندانند. بن لادن در راس القاعده بویژه سمبل این جهت گیری است: دنیا با مرگ من باید بمیرد...

اینها يك دوره با توسل به بیرحمی و کشتارگری گسترده توانستند فضای بین المللی را تحت الشعاع قرار دهند. توانستند سربازگیری کنند. به حوزه های نفوذ جدیدی دست پیدا کنند و سربازگیری های گسترده ای بکنند. اما از چند سال قبل روند اضمحلال و افول این جریان شروع شد. مقاطعی را میشود بعنوان نقطه شروع و نقطه عطفهای این روند افول جنبش اسلام سیاسی نام برد که بویژه خیزشهای توده ای سرنگونی طلبی در ایران علیه جمهوری اسلامی برجسته ترین آنهاست. اما مهمترین آن که دیگر همه را در سطح جهان متوجه افول اسلام سیاسی کرد و دیگر قابل انکار نیست انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا در سال جاری است که در کشورهایی که

تصور میشد جنبشهای اسلامی دست بالا را دارند و از نفوذ توده ای گسترده برخوردارند، صورت گرفت و این جنبشهای اسلامی در آن تقریباً بطور کامل غایب بودند یا نقش بسیار حاشیه ای داشتند. بویژه در مصر تصور میشد که جریانها اسلامی و بویژه جنبش قدیمی اخوان المسلمین با هر تحول سیاسی ای به جلو سوق داده خواهد شد و فضا را خواهد گرفت. اما رژیم مبارک سرنگون شد و این جریان تازه بعد از آن ناچار شده است اسم خود را عوض کند و نام خود را "حزب آزادی و عدالت" بگذارد و رسماً رهبرش اعلام کند که در پی حکومت اسلامی و پیاده کردن قوانین اسلامی نیست و اگر به دولت برسد يك حکومت سکولار را پیاده خواهد کرد. در تونس هم رگه های دیگری از اخوان المسلمین که شناخته شده بودند اصلاً نتوانستند ابراز وجودی بکنند. در سایر کشورها هم کمابیش همین فضا حاکم است. احتمالاً در کوتاه مدت این جریانها میتوانند با استفاده از سازمان یافتگی خود در جاهایی جلو بیایند و در دولت نقش ایفا کنند. اما آنچه روشن است انقلابات اخیر یکی از پیامهای همین نه گفتن به جریانها اسلامی و به اسلام سیاسی بود و دوره اینها بعنوان بازیکنان اصلی صحنه سیاست بسر آمده است. فکر میکنم انقلاب ۸۸ ایران که مردم میلیونی علیه جمهوری اسلامی به خیابان آمدند تأثیر زیادی در این روند داشته باشد. بهررو خواستم بگویم که روند افول جنبش اسلام سیاسی پیش از مرگ بن لادن شروع شده بود و این ضربه به سازمان القاعده نیز روند افول و انشقاق اسلام سیاسی را سرعت خواهد بخشید. فکر میکنم نه فقط القاعده و جریانها تروریستی، بلکه کل جنبشهای اسلامی حتی به اصطلاح میانه روهایشان با این ضربه فضا را بر خود تنگتر خواهند دید. این به این مفهوم نیست که جست و خیز اسلام سیاسی تمام شده است بلکه به این مفهوم است که روند اضمحلال را دارد طی میکنند. به زیر کشیدن جمهوری اسلامی با انقلاب مردم ایران این دوره را بطور قطع تمام خواهد کرد اما سیر انقلابات و رویدادها طوری است که این احتمال هم اکنون باز شده است که اسلام سیاسی قبل از سرنگونی جمهوری اسلامی دیگر به مرده ای تبدیل شده باشد که جای قابل توجهی در دنیا ندارد. این را باید دید.

نتیجه اینکه با توجه به شکست



مینا احدی و ماریا دو روزاریو وزیر حقوق بشر برزیل



دیگرتان بگویند. چه ملاقات های دیگری دارید؟

مینا احدی: ملاقات ها کلا از طرف مؤسسه ای که ما را دعوت کرده است، سازمان داده می شود. دیروز مسئول ارگانیزه کردن سفرم با من صحبت کرد و گفت که ما یک ملاقات خواهیم داشت با وزیر زنان برزیل، ملاقات دیگری با مسئول حقوق بشر دولت و ملاقاتی هم با تعدادی از سناتورها در "برزیلیا" پایتخت برزیل. همین سازمان درخواست کرده است که یک ملاقات هم با رئیس جمهور اینجا داشته باشیم که ظاهرا بدلیل بیماری ایشان هنوز قطعی نشده است اما رسانه های مختلفی و نیز شبکه اصلی خبری اینجا هم تاکنون سه بار این مصاحبه ها را پخش و گزارش داده اند که مؤسسه "ملنیوم" خواسته که مینا احدی و "دیپلما روز" ملاقات داشته باشند. به سابقه هر دو ما اشاره کرده اند که گذشته مان چقدر بهم شبیه است و اینکه او هم پارتیزان بوده، زندان بوده، بیست و سه روز زیر شکنجه بوده و زنی هست که علیه سنگسار سکینه صحبت کرده و آنرا "بربریت مطلق" نامیده و اینکه وقتی که در ژنو کنفرانسی بود، اینها علیه جمهوری اسلامی رای داده اند و تفاوت هایی وجود دارد با "لولا" پریزیدنت قبلی و غیره. تمام اینها الان موضوعات مورد بحث رسانه ها است.

کیوان جاوید: آیا فعالیت های دیگری هم خواهید داشت طی روزهایی که از سرفرتان در برزیل باقی مانده است؟

مینا احدی: بله، برنامه های دیگری هم سازمان داده شده است. سخنرانی برای دانشجویان در شهر "ریودورژانیرو" و همانطور که گفتیم، مصاحبه با رسانه ها و ملاقات هایی که با مقامات و سناتورها سازمان داده اند. خود همین ها مورد توجه رسانه ها قرار خواهد گرفت و احتمالا کنفرانس مطبوعاتی هم داشته باشیم. در مجموع، می توانم بگویم که از طرف رسانه ها و مؤسسات مختلف استقبال زیادی از این سفر شد و مردم می پرسند که چگونه می توان به سکینه کمک کرد و اینکه خود رئیس جمهور برزیل باید بیشتر در این زمینه پا پیش بگذارد و در جهت متزوی کردن جمهوری اسلامی حرکت کند.

کیوان جاوید: مینا احدی، با تشکر که علیرغم گرفتاری زیاد وقت خود را بماند دادید.

مینا احدی: من هم متشکرم.

## استقبال گسترده از مینا احدی در برزیل

بسیار استقبال می کنند. یکی از مباحث هم اساسا همین است که چنین حرکتی يك تودهنی به جمهوری اسلامی و احمدی نژاد است.

کیوان جاوید: بسیاری از پرنفوذترین رسانه ها خبری این کنفرانس و سخنرانیهای شما را منتشر کرده اند. نظر شما چیست؟

مینا احدی: کنفرانسی که دیروز در "سانویولو" برگزار شد، از سوی خود برگزارکنندگان و مسئول اصلی کنفرانس - آقای "پائولو اولبر" که کنفرانس را سازمان داده بود - با خوشحالی بسیار زیادی مورد استقبال قرار گرفت. در واقع، خبرنگاران زیادی آمده بودند تا با من در مورد ایران و رابطه برزیل با ایران و نقض حقوق بشر سؤال کنند که در عین حال، کل بحث هم ربط پیدا کرد به مرگ اسامه بن لادن و پرسش هایی که در مورد اسلام سیاسی می شد. اخبار این کنفرانس، لحظه به لحظه در سایت های مختلف انعکاس می یافت و تیم خبری شش، هفت نفره ای اخبار را به بیرون منعکس می کردند. در واقع، سخنرانی من يك اعلام جرم بود علیه جنبش اسلام سیاسی نه فقط در ایران بلکه در کشورهای اسلام زده از طرف میلیون ها زن و انسان آتیه ایستی که در این کشورها زندگی می کنند.

کیوان جاوید: به چه نام یا عنوانی در این رسانه ها از شما یاد شده است؟ مینا احدی کمونیست؟ دموکراسی خواه؟ چه؟

مینا احدی: برای خود من هم این موضوع جالب است. برخلاف آلمان که محل زندگی من است و کمونیست بودن یا عضو حزب کمونیست کارگری بودن نوعی تابو است، در اینجا بدلیل سابقه مبارزاتی مردم و اتفاقاتی که قبلا افتاده و دولت هایی که خودشان را چپ معرفی می کنند، این مسئله تابو نیست. در سخنرانی من، اتفاقا يك سؤال در همین مورد بود که کمونیسمی که ما از آن دفاع می کنیم، چه نوع کمونیسمی است و از نظر من که با این حزب کار می کنم، کدام کشور و کدام آینده مطلوب است. خیلی بحث های جالبی بود و راحت می شد در مورد کمونیسم حرف زد. من را هم اینجا عضو حزب کمونیست کارگری ایران معرفی می کنند. کیوان جاوید: مینا احدی، اگر ممکن است در مورد ملاقات های

کیوان جاوید: مینا احدی چه موقع به برزیل سفر کردید؟

مینا احدی: ما روز اول ماه "مه" پرواز کردیم. روز سوم ماه مه در شهر "سانویولو" و در دانشگاه این شهر، کنفرانسی برگزار می شد که من دعوت شده بودم در آن سخنرانی کنم. بیش از بیست سخنران در این کنفرانس شرکت داشتند و از صبح تا عصر پنج پانل برگزار شد. من سخنرانی بودم در پانل اول که در مورد حقوق بشر و حقوق انسانی صحبت کردم. این کنفرانس از طرف چندین سازمان برگزار شده بود و از سازمانهای مختلف در آن شرکت داشتند و برای سازماندهی این کنفرانس کار کرده بودند. شخصیت ها، نویسندگان و روشنفکران مختلفی را هم دعوت کرده بودند که مباحث اساسا در مورد آزادی و حقوق بشر بود و اینکه دموکراسی به چه معناست و مردمی که الان در سراسر جهان دارند مبارزه می کنند، با چه هدفی مبارزه می کنند و همچنین بحث حقوق انسانی و اینکه چه ارتباطی با دموکراسی و آزادی دارد. اینها کلام اصلی این سخنرانی ها بود.

کیوان جاوید: خود شما چه اهدافی را از این سفر دنبال می کنید؟

مینا احدی: کشور برزیل کشوری است که در هر حال، در افکار سازمانهای اپوزیسیون و یا مردم ایران، اینطور معروف است که پریزیدنت قبلی اش "لولا" به ایران رفته، با احمدی نژاد دست داده و او را برادر و دوست خودش خطاب کرده و به يك معنا، همیشه در مورد برزیل و سیاستش، نقد زیادی در افکار عمومی وجود داشت. بعد از کمپین سکینه محمدی و در طول آن کمپین، رسانه های کشور برزیل بسیار عکس العمل مثبتی نشان دادند و اخبار آن را منتشر کردند. بطوریکه بحث رابطه برزیل با جمهوری اسلامی ایران، به يك بحث انتخاباتی در این کشور تبدیل شد. در همان زمان من مصاحبه های مختلفی با رسانه های برزیل داشتم و هم اکنون هم دعوت کرده اند به اینجا بیایم. در واقع، می شود گفت که بلحاظ سیاسی، مردم و نهادها و سازمان های مترقی دارند اعلام نظر و موضع می کنند که مخالف جمهوری اسلامی هستند. به همین دلیل این دعوت يك جنبه سمبولیک در این کشور دارد و رسانه ها و مردم دارند

### مرگ بن لادن و سرعت گرفتن ... از صفحه ۳

مردمی است که ما آنها را قطب سوم در برابر دو قطب تروریسم نظم نویسی و تروریسم اسلامی نامیده ایم. و این بسیار امید بخش است و میتوان امیدوار بود که اثرات بسیار رو به پیش و تحول بخش و زیبایی بر جوامع کنونی داشته باشد. \*

قبل سیاست نظم نویسی و کنار زده شدن نئوکسنرواتیسیم، و اکنون روند افول اسلام سیاسی، میتوان با قطعیت گفت که جنگ تروریستها گرچه هنوز تمام نشده اما دارد با شکست هردو سوی آن، به پایان خود میرسد و این رویدادی است که اساسا نتیجه تلاش آن

**انترناسیونال را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید**

## بازتاب هفته

### زندانیان سیاسی



بهروز مهر آبادی

فشار بر زندانیان سیاسی افزایش می‌یابد. گزارشات منتشر شده از زندانیان جمهوری اسلامی، از طرف خانواده‌ها و نهادهای مدافع حقوق زندانیان سیاسی نشان می‌دهد که با افزایش انزجار عمومی مردم از رژیم و تشدید درگیری‌های داخلی آن، سران رژیم حمله به زندانیان سیاسی را بیشتر کرده‌اند. از تعداد زندانیان سیاسی آمار دقیقی در دست نیست اما روشن است که هزاران نفر از کارگران و جوانان و زنان در شکنجه‌گاههای جمهوری کثیف اسلامی اسیرند و زیر فشار و شکنجه قرار دارند. تعداد زیادی فعالین کارگری بخاطر درخواست ابتدائی‌ترین حقوق کارگران و همچنین دانشجویان آزادیخواه، مدافعان حقوق بشر، وکلای بخاطر دفاع از موکلین خود، فعالین اجتماعی و حتی تعدادی از وابستگان قبلی رژیم بخاطر وحشت و هراسی که رژیم حتی از خودی‌ها دارد، زندانی شده‌اند. بجز کسانی که احکام سنگین زندان گرفته‌اند، بسیاری از زندانیان ماهها و سالها بدون گرفتن حکم در زندان بسر می‌برند. می‌توان گفت که زندانیان گذشته از هر پرورنده‌ای که داشته باشند بدون استثنا در معرض خطر شکنجه و یا اعدام قرار دارند.

اما از سوی دیگر مبارزه در حمایت و برای آزادی زندانیان سیاسی نیز گسترش یافته است. در این مبارزه علاوه بر سازمانهایی نظیر "کمیته

### تجمع مجدد کارگران چینی‌سازی البرز در مقابل مجلس

بنابه خبری که خبرگزاری دولتی فارس روز دوشنبه ۵ اردیبهشت منتشر شده است، جمعی از کارگران شرکت چینی‌سازی البرز مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. یکی از کارگران گفته است: از تاریخ ۲۵ اسفندماه ۱۳۸۸ شرکت چینی‌سازی البرز منحل شد و از این تاریخ تاکنون با ما تسویه حساب

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، نهادهای آزادیخواه و خانواده‌های زندانیان سیاسی، خود زندانیان نیز فعالانه شرکت دارند و با مقاومت در مقابل تهاجمات رژیم، ایجاد همبستگی در بین زندانیان سیاسی و نوشتن نامه‌های افشاگرانه به مردم و نهادهای بین‌المللی نقش مهمی در پیشبرد این حرکات دارند. در هفته گذشته اخبار متعددی از این مبارزه انتشار یافت، روز ۱۴ اردیبهشت تعدادی از مردم سندانج در مقابل ستاد خبری جمهوری اسلامی تجمع کرده و خواستار آزادی اعضای کمیته هماهنگی برای تشکلهای کارگری شدند. مسئولان زندان گهردشت در وسط سالن ملاقات دیواری به ارتفاع ۸۰ سانتیمتر کشیده تا زندانیان و خانواده‌هایشان در دو طرف و به فاصله دو متر از آن بایستند. به این ترتیب فاصله زندانیان و ملاقات کنندگان بیش از ۴ متر می‌شود که ماموران زندان در آن قرار دارند. روز ۱۰ اردیبهشت وقتی خانواده‌های زندانیان سیاسی با این صحنه روبرو شدند، به این شیوه "ملاقات حضوری" اعتراض کرده و با عبور از دیوار عزیزانشان را در آغوش گرفتند. پاسدارها وحشیانه به آنها حمله کرده و مورد توهین و ضرب و شتم قرار دادند. درگیری خانواده‌ها با پاسداران ادامه یافت و زندانبانان ملاقات را تعطیل اعلام کردند. به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران رژیم با گماردن یکی از اوباش خود بنام "علی مردانی" به ریاست زندان، زندانیان سیاسی را شدیداً مورد حمله و آزار قرار داده است. ایجاد محدودیت‌های بیشتر از جمله کاهش جیره غذایی زندانیان، محرومیت از ملاقات، مانع از درمان و تشدید

نکردن و ما در حال حاضر یک سال است که حقوق و مزایایمان را دریافت نکردیم. او در ادامه می‌گوید: با انحلال این شرکت حدود ۱۸۵ نفر کار خود را از دست دادند.

### اعتراض و تجمع کارگران مقابل فرمانداری مسجد سلیمان

بنابه اخبار منتشر شده روز پنجشنبه ۸ اردیبهشت بیش از ۴۰۰ تن از کارگران شاغل در بخش‌های مختلف شهر مسجد سلیمان و لالی

شکنجه‌های روانی و جسمی زندانیان، از جمله این اقدامات است.

تعدادی از زندانیان رجائی شهر کرج از روز ۱۱ اردیبهشت به مدت ۳ روز دست به اعتصاب غذا زدند و اعلام کرده‌اند تا در صورت بدست نیامدن خواسته‌های خود از روز اول خرداد دست به اعتصاب نامحدود خواهند زد. شیوع بیماریهای عفونی، نبود امکانات بهداشتی و درمانی، نبود آب آشامیدنی سالم و آب گرم، ناچیز بودن جیره غذایی، شیوع گسترده استفاده از مواد مخدر در زندانها و تحریک زندانیان عادی بر علیه زندانیان سیاسی توسط زندانبانان بخشی از شکنجه‌های رژیم بر علیه زندانیان سیاسی است. علاوه بر آن زندانیان دانما در معرض تهاجم ماموران رژیم و شکنجه‌های سیستماتیک روانی و جسمی هستند. افزایش جنایات رژیم در زندانها بار دیگر ضرورت گسترش مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و انعکاس جنایات رژیم در دنیا و رساندن صدای آنها بگوش جهانیان، را یادآوری می‌کند. \*

### یک قتل دیگر اینبار به خاطر حجاب

یاشار سهندی

بر پرورنده قطور جمهوری اسلامی در قتل و جنایت‌برگی دیگری اضافه شد. به گزارش سایت آخرین نیوز یک پرستار به دلیل اخراج به خاطر "عدم رعایت پوشش مناسب و بدحجابی" از کار اخراج شده بود دست به خودکشی زده. به گزارش این سایت پرستار مذکور که تلاش فراوانی میکند که به سرکار برگردد پیگیریهایش بی نتیجه مانده و با خوردن قرص برونج دست به خودکشی میزند که متأسفانه به خاطر شدت مسمومیت جان میسپارد. این

در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. کارگران همچنین خواهان لغو قراردادهای موقت و جلوگیری از اخراج کارگران شدند. کارگران شعار می‌دادند: "تشکل، اعتصاب، حق مسلم ماست، کارگران جهان اتحاد، معیشت زندگی حق مسلم ماست، کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد، قرارداد موقت دیگر کارش تمام است".

گزارش ادامه میدهد با انتقال "آ" (سایت مذکور به رویه همیشگی رسانه‌های حکومتی از بردن نام کامل پرستار مذکور خود داری کرده است) به بیمارستان امام حسین "پزشکان و همکارانش بلافاصله تلاش برای نجات جان وی را آغاز کردند اما تلاش همکاران وی برای نجات جانش نتیجه نداد و او به خاطر شدت مسمومیت جان سپرد. این حادثه موجی از تاثر و ناراحتی را در این بیمارستان در پی داشته است. این سایت تأکید میکند که تلاش خبرنگار این سایت برای کسب علت حادثه و دلیل اخراج پرستار از مسئولان بیمارستان امام حسین بی نتیجه مانده و حتی تهدید هم شده است که مسئله را پیگیری نکنند.

سایت فارس وابسته به سپاه پاسداران در هفته گذشته با انتشار عکس‌های دختران و پسران جوان که ایشان اینها را "بد حجاب" معرفی کرده خبر داده بود که "تاتو فرهنگی" در تدارک تهاجم دیگری است! که فی الواقع اینها مقدمه حمله سازمان یافته دیگری بر علیه جوانان و بخصوص زنان است که هر سال با شروع فصل گرما اوج بیشتری میگیرد. "مبارزه با بدحجابی" همانطور که همگان آگاه هستند اسم رمز حمله به زنان است و به تبع آن کل جامعه است. آپارتاید جنسی یکی از ستونهای این حکومت است و این حکومت برای اجرای آن تا کنون دست به جنایت وسیعی زده است. از پوز فرو کردن در پیشانی زنان تا اسید پاشی تا ربودن زنان و تجاوز به آنان تا بازداشت و شلاق و جریمه نقدی و اخراج از کار شیوه‌های گوناگون این حکومت بر علیه زنان است. خیر تاسف بار خودکشی پرستار مزبور نشانه تداوم جنایت سازمان یافته بر علیه زنان است. باور آن بسیار دشوار است که یک انسان صرفاً به خاطر پوشش چنان تحت فشار روحی و روانی

### ادامه اعتصاب کارگران سنگ معدن بافق

بنابه خبر منتشر شده در روز ۸ اردیبهشت، اعتصاب کارگران سنگ معدن بافق که از روز ۳ اردیبهشت شروع شد، هنوز ادامه دارد و کارگران ریل آهن شهر را بسته و مانع از تردد قطارها میشوند. روز ۶ اردیبهشت ۴ هزار نفر در تظاهرات کارگران شرکت کردند. در خبر دیگری آمده است که در جریان اعتراضات این کارگران دهها تن دستگیر و ۵۸ نفر نیز مجروح شدند.

قرار گرفته است که به زندگی خود خاتمه بدهد. اما متأسفانه این یک خبر واقعی است. خبرنگار سایت مذکور به دنبال علت حادثه به مسئولان بیمارستان مراجعه کرده است مسئولانی که خود زمینه ساز قتل شده‌اند باید هم خبرنگار را تهدید کنند که پیگیر ماجرا نشود. این مسئولان اکثراً خود مهره‌های همین دستگاه جهمی هستند که زمینه ساز چنین فاجعه‌ای شده‌اند. خبر مذکور تأکید بر این دارد که علت اخراج "عدم رعایت پوشش مناسب" است. تو گویی دارد از بسته بندی کالایی صحبت میکند که استاندار بسته بندی آن رعایت نشده است و فی الواقع از نظر جمهوری اسلامی زن کالایی بیش نیست که باید خود در نگهداری خویش بکوشد. چون زن ناموس مرد است نه یک انسان و زن باید استانداردهای "پوشش مناسب" که "دین مبین اسلام" بر آن تأکید دارد رعایت کند تا مبادا عرش خدا به لرزه در آید. جملات توهین آمیزی مانند این که "حجاب مانند یک صدف است که مروراید در داخل آن باشد" گویای عمق تفکر متعفن این حکومت است. زن حریم خصوصی مردان است که فقط و فقط وسیله رفع نیاز جنسی مردان به اضافه آشپزی و بچه داری محسوب میشود. جمهوری اسلامی مسئول قتل این پرستار است دقیقاً به خاطر این که سی و دو سال است این دیدگاهها را ترویج میدهد و ستم و بی حرمتی و آپارتاید جنسی را بر زنان تحمیل کرده است و فضای نفس کشیدن را از زنان گرفته است. این جنایت تأییدی است که هر یک روز که بیشتر این حکومت به حیات خود ادامه میدهد جنایت بیشتری اتفاق می‌افتد و مرگ این پرستار تأکید دیگری است که این قتلها وقتی متوقف میشود که این حکومت محو شده باشد.\*

### گمونیسم کارگری شماره ۳ منتشر شد



## بازتاب هفته

### کوچ "سبز" به کمپ احمدی نژاد، همراه اجنه بهروز مهرآبادی

این روزها با ورود اجنه، دعوی بین جناحهای حکومت، شکل واقعی خود را به نمایش گذاشته است. حضور لشکر جن و دیو در جنگ قبایل بدوی و امثال آن را نه در فیلم هایی نظیر "هاری پاتر" و روی پرده سینما بلکه بطور واقعی در جدالهای درون نظام اسلامی می توان مشاهده کرد. از امداد های غیبی "که به کمک خمینی آمد تا "هاله نور" احمدی نژاد که رهبران حکومت های جهان را از خود بیخود کرد، از "یا علی" گفتن خامنه ای در هنگام تولد تا ماجرای "سید خراسانی" و "شعیب بن صالح" و فیلم "ظهور نزدیک است"، گرچه سوژه های جدیدی به مردم داده است تا رژیم را دست بیندازند و مسخره کنند، اما بدون شك آن را باید در کنار سایر ابزار قرون وسطائی حکومت اسلامی همچون سنگسار، اعدام و شکنجه و خفگان و سایر قوانین آن گذاشت. اما چهره های دیگری نیز دنباله اجنه روان شده اند که صحنه را تکمیل می کنند. از جمله آنها باید از سخنگویان جنبش اصلاح طلبی رژیم و چهره های شناخته شده جنبش سبز آقایان مهدی خانابا تهران و اکبر گنجی نام برد. "جنبش سبز" در ماههای اخیر و در مقابل جدالی که در درون حکومت بین باند احمدی نژاد و خامنه ای در گرفت، ساکت و انگشت بدهن بود. با شکست جنبش "اصلاح طلبی رژیم" در مقابل رادیکالیسم و جنبش سرنگونی طلبی، "جنبش سبز" عملاً از هم پاشیده و بنظر می رسد که گزینه ای که چهره های اصلاح طلب قدیمی انتخاب کرده اند، استحاله در یکی از دو جناح غالب رژیم است تا شاید از این راه بتوانند به بقای خود ادامه دهند. یک ماه قبل دو تن از چهره های سرشناس اصلاح طلب، عطاءالله مهاجرانی و فرخ نگهدار در کنفرانسی در لندن به مجیزگویی خامنه ای پرداختند و اخیراً گنجی و تهرانی به تمجید از احمدی نژاد پرداخته و حمایت از او را مطرح کرده اند.

گذشته از هر اختلاف نظر در میان "اصلاح طلبان" و روی آوری آنها به هر جناح از حکومت، در تلاش برای حفظ نظام و مصون داشتن آن، آنها ثابت قدمند و زیگراک نمیزنند. این را هم مهاجرانی و نگهدار بارها مطرح ساخته اند و هم تهرانی و گنجی. خانابا تهرانی در مصاحبه ای با رادیو فرانسه در روز سوم اسفند ضمن سیاستگزاری از موسوی و کروبی برای برداشتن "گامهای سنجیده" از این اظهار نگرانی می کند که ولایت فقیه و یارانش قصد تدارک سوق دادن مخالفان به سمت براندازی زود رس را دارند. او در این مصاحبه از تلاش جنبش اصلاح طلبی با جناح حاکم صحبت می کند و تاسف می خورد که "یکسویه نگری ولی فقیه" موجب بیشتر شدن شکاف ها در داخل نظام و دو تکه شدن آن گشت. هفته گذشته اکبر گنجی در مقاله ای که در خبرنامه گویا منتشر شد نوشت:

است. گنجی سرگردانی و تحیر جنبش سبز در مقابل جنگ خانگی رژیم و امید به گرفتن چند کرسی در مجلس و سایر ارگانهای اسلامی را، چنین توجیه می کند: "اصلاح طلبان که نشان داده اند به دنبال گرفتن مجلس و قوه مجریه و شوراهای شهر هستند، بهتر است در شرایط کنونی سکوت کرده و هیچ سخنی پیرامون نزاع اصولگرایان و احمدی نژاد ها بر زبان جاری نسازند."

مهدی خانابا تهرانی شخصیت شناخته شده اصلاح طلب و حامی جمهوری اسلامی، در مصاحبه دیگری که هفته گذشته با رحمت قاسم بیگلر در رادیو فرانسه انجام داد خیلی صریحتر به تمجید و حمایت از احمدی نژاد برخاست. او فرصت را از دست نداد تا به تمجید از بنی صدر بپردازد و احمدی نژاد را تشویق کرد تا همانند بنی صدر به "ایستادگی" در مقابل ولی فقیه بپردازد. تهرانی در این مصاحبه از زهربران جنبش سبز و کلیه نیروهای سیاسی ایران خواست که با عقلانیت "در جدال کنونی جانب کسی را نگیرند، یعنی جانب آقای ولایت فقیه یعنی دسته مرتجعین را نگیرند" و حتی جرئت بخرج داده و از خواسته های احمدی نژاد علیرغم اختلافاتی که با او هست، حمایت کنند. او خواهان ایجاد "یک جبهه متحد آزادی، دموکراسی و حق تعیین سرنوشت برای مردم" شد، جبهه ای که بزعم او احمدی نژاد هم در آن قرار می گیرد. خانابا تهرانی در مصاحبه خود تلاش می کند تا نظامیان را از سرکوب مردم میرا بداند. او خواهان پایان یافتن جدال جنبش سبز با نظامیان می شود و اظهار می دارد که این نظامیان نبودند که کودتای انتخاباتی کردند بلکه خامنه ای بود که فرمان آن را داد. تغییر جناح بندی و دسته بندی ها در درون رژیم را می توان از مصاحبه خانابا تهرانی هم دریافت. او رفسنجانی را در کنار خامنه ای می بیند و از این تغییر اظهار نارضایتی می کند.

حمایت از احمدی نژاد تیر خلاص زن و قرار گرفتن در کنار جنایتکارترین و عقب مانده ترین جناحهای حکومت اسلامی، از طرف جنبش سبز چیز عجیبی نیست. اما دلیل واقعی آن و آنچه که بیش از هر چیز آب از لب و لوجه خانابا تهرانی

سرازیر کرده است، را باید در چند جمله آخر مصاحبه او یافت. او در مورد رابطه نظامیان با ولی فقیه اظهار امیدواری می کند که: "نظامیان در ایران زیر پرچم ناسیونالیستی، زیر پرچم فرهنگ کهن ایران یواش یواش خود را (از ولی فقیه) دور کنند و می توانند تضمینی باشند برای سرمایه و گسترش سرمایه گزاری در ایران." آنچه که مایه تمام دلنگرانی های آقای خانابا تهرانی و جمیع "جنبش سبز" را تشکیل می دهد، تضمین امنیت سرمایه و شرایط مناسب برای گسترش سرمایه گزاری در ایران است. اقتصاد ایران و زندگی ۷۰ میلیون نفر مردم ایران در دست چند مافیای اقتصادی و دستخوش جدالهای آنها است. بخشی از جدال بین جناحهای مختلف رژیم برای بدست گرفتن سهمی بیشتر از دسترنج کارگران و زحمتکشان و به غارت بردن آن است. سپاه پاسداران و "نظامیان" طرفداران احمدی نژاد توانسته اند بخش عظیمی از درآمد نفت، صنایع و واردات را در اختیار درآورند. روی آوری چهره های جنبش سبز به احمدی نژاد بدون دلیل نیست. از قدرت و نفوذ طایفه هاشمی

رفسنجانی کاسته شده و آقای خانابا تهرانی و بخشی از سران جنبش سبز قبله جدیدی یافته ند. اصلاح طلبان رژیم توانستند برای مدت کوتاهی در شرایط متلاطمی که خشم و نفرت مردم از رژیم بوجود آورده بود، خود را مطرح سازند.

اما حمایت چهره های جنبش سبز از احمدی نژاد یا خامنه ای را نمی توان به حساب تغییر سیاست این جنبش گذاشت. در شرایطی که مردم در یک جنگ علنی و رو در رو با رژیم قرار دارند مواضع خانابا تهرانی و گنجی نمایش حقارت جنبش سبز و پایان کار آن بود. رژیم در وحشت مدام از مردم و حتی از دست اندرکاران خود است و فقط با تشدید فشار و سرکوب و کشتار می تواند به بقای خود ادامه دهد. در صورت دوام عمر رژیم عملاً امکان پذیرش اصلاح طلبان بصورت متشکل در ارگانهای حکومتی غیر ممکن است. اما این امید را می توان داشت باشند که عناصری از این جنبش بصورت منفرد در زمره خدام بارگاه خامنه ای و یا مریدان احمدی نژاد و یا یکی دیگر از سران مافیای رژیم درآیند. \*

### فراخوان

مراسم بزرگداشت در روز ۱۹ اردیبهشت روزی که فرزند کمانگر، شیرین علم هولی، مهدی اسلامیان، فرهاد کیلی و علی حیدریان توسط جمهوری اسلامی اعدام شدند

در گرامیداشت یاد آنها روز دوشنبه ۹ مه (۱۹ اردیبهشت)

از ساعت ۵ بعد از ظهر در مرکز شهر فرانکفورت

Hauptwache گرد هم میاییم و به یادشان شعر میخوانیم

و با صدایشان همصدا خواهیم شد



این مراسم همزمان با مراسمی بزرگداشت در ایران برگزار میشود.

از شما دعوت میکنیم که در این بزرگداشت همراه ما باشید و با شاخه های گل سرخ یادشان را گرامی بداریم.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران/فرانکفورت

تلفن تماس: 01772765335

**انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!**

**تهران:**

در تهران فاصله میدان انقلاب تا وزارت کار جمعیت زیادی در پیاده روها دیده میشد که منتظر فرصتی برای برگزاری اول مه بودند که بدلیل حضور نیروهای سرکوب جمعیتی برگزار نشد. طبق گزارشی بیش از دو هزار نفر برای شرکت در مراسم در پیاده روها حرکت میکردند. بسیجی ها با لباس خاکستری همه جا حضور داشتند. جمعیت مدتی در اطراف حضور داشتند و سپس متفرق شدند. سایت ایران کارگر نیز میگوید امروز جمعی از کارگران کارخانه پونل در تهران از خیابان شهدا به سمت وزارت کار به قصد شرکت در تجمع روز کارگر در مقابل وزارت کار حرکت کردند اما در مقابل وزارت کار بدلیل حضور نیروهای سرکوب جمعیتی برگزار نشد.

**پاکدشت تهران:**

طبق گزارشی که به حزب رسیده است، در منطقه ماسازن پاکدشت به مناسبت اول مه جمعیتی صورت گرفت و روز جهانی کارگر گرامی داشته شد. حاضرین در این اجتماع شعارهای مرگ بر خامنه ای مرگ بر احمدی نژاد میدادند.

**تهران:**

دهها نفر از کارگران کارخانه قطعات پلاستیک تهران در مقابل ستاد فرمان امام تجمع اعتراضی برگزار کردند. با پافشاری کارگران، یکی از مقامات این ستاد با نمایندگان کارگران مذاکره کرد که از نتیجه مذاکره خبری به ما نرسیده است. کارگران این کارخانه قبلا اعلام کرده بودند که به خاطر روز جهانی کارگر به این محل میرویم و اعتراض خود را مطرح می کنیم.

**اهواز:**

طبق گزارشی که به حزب رسیده است، حدود ساعت ۶ عصر امروز ۱۱ اردیبهشت تعدادی از کارگران لوله سازی اهواز در مقابل کارخانه جمع شدند و اول مه را گرامی داشتند. بتدریج کارگران از سایر مراکز به آنها پیوستند و جمعیت به بیش از ۵۰۰ نفر رسید. کارگران شعار میدادند و بر مطالبات خود از جمله پرداخت دستمزدهای معوقه تاکید کردند. این تجمع مورد استقبال فوری و گرم مردم قرار گرفت و مردم شروع به پیوستن به این تجمع کردند که با دخالت نیروی انتظامی جلو گسترش این تجمع گرفته

**هزاران نفر به مناسبت اول مه دست به تظاهرات و تجمع زدند**

شد. تجمع کارگران نیم ساعت ادامه داشت.

طبق این گزارش امروز همچنین در میادین شهرهای اندیمشک، دزفول، شوشتر، مسجد سلیمان، ماهشهر و بندر امام جمعیتی به مناسبت اول مه از سوی کارگران مراکز کارگری سازمان داده شد.

جلسه روز کارگر توسط خانه کارگر امروز صبح در سالن معتمدی در جنوب تهران برگزار گردید. ساعت هشت و نیم صبح امروز یکشنبه نفرت را از جلوی خانه کارگر در ابوریحان در مرکز تهران سوار اتوبوس کرده و به سالن معتمدی بردند.

به گزارش ایران کارگر مراسم در سالن که ظرفیت حدود ۱۰ هزار نفر را داشت خیلی سوت و کور برگزار شد و ماکزیمم هزار نفر شرکت کرده بودند. در این جلسه محبوب رئیس خانه کارگر و نماینده مجلس حکومتی يك قطعنامه را خواند، در حین خواندن قطعنامه عده ای از همین کارگران به علامت اعتراض جلسه را ترك کرده و گفتند این موضوعات تکراری و خسته کننده است و اینها هیچ کاری نمیکند. در این جلسه اجازه صحبت به هیچ يك از کارگران دعوت شده داده نشد

**مسجد سلیمان: صدها نفر از**

کارگران شهر مسجد سلیمان و لالی امروز در مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند و خواهان پرداخت فوری حقوق های معوقه خود شدند.

**سنندج:**

امروز در سنندج مراسم های متعددی برگزار شد. گزارش یکی از این مراسم ها را که ساعت ۶ عصر برگزار شده بود در اطلاعیه دیگری به اطلاع رساندیم.

مراسم دیگری در ساعت یازده صبح در مقابل بازار شهر سنندج برگزار شد که بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای خانواده های کارگری در آن شرکت داشتند و تعدادی از کارگران سخنرانی های کوتاهی در مورد وضعیت طبقه کارگر کردند.

پلاکاردهای متعددی از جمله پلاکاردهای بزرگ قرمز رنگی که بر آن شعار کارگران جهان متحد شوید نوشته شده بود و پلاکاردهای دیگری با مضامین: کارگران اعلامیه تعیین حداقل دستمزدها را پاره میکنیم، اعتصاب، تشکل، تجمع، اعتراض حق مسلم ماست، کارگر دستمزد مکفی میخواهد، کارگر دانشجو اتحاد اتحاد، زن مساوی مرد و سوسیالیسم یا برپریت در دست کارگران بود.

شرکت کنندگان در این راهپیمایی شعار میدادند: زندانی سیاسی آزاد باید گردد، زنده باد روز جهانی کارگر، کارگر دانشجو اتحاد اتحاد، زنده باد سوسیالیسم، آزادی برابری حکومت کارگری. این مراسم توسط فعالین کارگری این شهر سازمان یافته بود و قطعنامه هفت تشکل کارگری و قطعنامه دیگری از اتحاد کارگران ایران در میان مردم پخش شد.

سفر: طبق گزارشی که به حزب رسیده است امروز در شهر سقز مراسمی برپا شد، قطعنامه هفت تشکل کارگری به مناسبت اول مه قرائت شد و شعارهایی از جمله زندانی سیاسی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد، زنده باد آزادی برابری سر داده شد.

شیراز: طبق خبری از شیراز امروز در خیابان ملاصدرا سرنشینان چندین اتومبیل شعار مرگ بردیکتاتور میدادند.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران  
زنده باد اول مه روز جهانی کارگر  
آزادی، برابری، حکومت کارگری  
زنده باد سوسیالیسم  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰

**اول مه سرخ و با شکوه در سنندج****اول مه در پاوه، نقده، کرمانشاه، نقده**

## اول مه سرخ و با شکوه در سنندج

کارگران و مردم مبارز سنندج اول مه باشکوهی برگزار کردند

کارگران و مردم مبارز سنندج اول مه باشکوهی برگزار کردند طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، امروز اول مه، ۱۱ اردیبهشت، علیرغم تلاش های گسترده سروکیران جمهوری اسلامی برای جلوگیری از مراسم روز کارگر و علیرغم دستگیری و تهدید تعداد قابل توجهی از رهبران و فعالین کارگری در سنندج، کارگران و مردم انقلابی این شهر مراسم بزرگ و

نمایش بگذارند. جمعیت راهپیمایان بالغ بر هزار نفر بود. امضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و کمیته هماهنگی در تعدادی از پلاکاردها به چشم میخورد.

نیروهای سرکوب انتظامی تلاش کردند تا جلو تجمع مردم را بگیرند که موفق نشدند. سپس تلاش کردند پلاکاردها را از راهپیمایان بگیرند اما با هجوم مردم مواجه شدند و مجبور به عقب نشینی شدند. راهپیمایان شعار میدادند: کارگران جهان متحد شوید، کارگر زندانی آزاد باید گردد، زنده باد اول مه، کارگر معلم دانشجو

اتحاد اتحاد زنده باد آزادی، برابری، اعتراض اعتصاب حق مسلم ماست. این شعارها با کف زدن مردمی که در اطراف بودند مورد استقبال قرار میگرفت. راهپیمایان سپس تلاش کردند خود را به میدان اقبال برسانند که نیروهای سرکوب مانع آنها شدند و کارگران در فضائی از امید و احساس موفقیت به مراسم خود پایان دادند. تعداد قابل توجهی از قطعنامه های مشترک هفت تشکیل کارگری و هیئتطور قطعنامه اتحاد کارگران ایران در میان جمعیت پخش شد که با استقبال گرم مردم مواجه شد.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران زنده باد اول مه روز جهانی کارگر آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری ایران ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰

## اولتیماتوم خانواده های دستگیر شدگان اول مه سنندج به

تجمع وسیع در روزه یگشنبه ۱۸ اردیبهشت

غالب حسینی، خالد حسینی، پیدالله قطبی، وفا قادری باید فوراً از زندان آزاد شوند

در گزارشات منتشر شده، چنین اعلام شده بود که غالب حسینی، پیدالله قطبی، خالد حسینی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری از جمله دستگیر شدگان شهر سنندج از زندان آزاد و تنها وفا قادری در بازداشت است. در خبرهای بعدی مطلع شدیم که همه این دستگیرشدگان در حال



دنبال اول مه با شکوه شهر سنندج، جمهوری اسلامی را بشدت وحشت زده کرده بود. بنا به خبر امروز به خانواده این کارگران اجازه ملاقات با عزیزانشان داده شده بود، اما آنها اعلام کرده بودند، ملاقات چیست، ما خواهان آزادی آنها هستیم. این

کارگران جرمی ندارند که در زندان باشند. برگزاری اول مه حق کارگران و حق مردم است. و به این ترتیب اعلام کردند که فردا نیز با جمعی بزرگتر تجمع خواهند داشت و این تجمعات تا آزادی همه دستگیر شدگان ادامه خواهد یافت.

## اعتصاب دو مرکز کارگری در سنندج

هنوز قرار دادی با این کارگران در سال جدید به امضا نرسیده است، - پرداخت تمامی دستمزدهای معوقه، در این اطلاعیه کمیته کردستان حزب ضمن حمایت از اعتصاب و خواسته های کارگران پرهون طرح، از دیگر بخشهای کارگری در سنندج میخواهد که به حمایت از همکاران خود بپردازند.

روز ۱۲ اردیبهشت در اعتراض به نپرداختن ۵ ماه دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند. در مقابل اعتصاب کارگران، رئیس شرکت مربوطه به جای جواب به خواست کارگران به آنها اعلام کرد یا باید فعلاً کار بدون حقوق را ادامه بدهید یا برکه های تصفیه حساب را امضا کنید. کارگران در مقابل این گستاخی کارفرما که میخواست کارگران اعتصابی و معترض را اخراج کند پاسخ محکمی به او دادند. کارگران اعلام کردند اعتصاب را تا نپرداختن دستمزدهای معوقه ادامه خواهند داد.

## کارگران نتن پارسیان اعتصاب کردند

روز ۱۱ اردیبهشت کارگران شرکت "نتن پارسیان" از نیرو سیکل ترکیبی سنندج در اعتراض به نپرداختن دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند. کارگران این شرکت حدود ۱۵۰ نفر هستند. این کارگران ۴ ماه است که حقوق نگرفته اند. سیگارودی مدیر این شرکت حاضر نشد هیچ جوابی به کارگران بدهد. کارگران در مقابل این بی جوابی مدیر شرکت در مقابل شرکت اصلی پیمانکاری "مپ نا" تجمع کردند و خواهان رسیدگی به حقوق های معوقه خود شدند. مسئولین این شرکت بر اثر فشار اعتراض کارگران اعتصابی قول دادند در یک هفته بعد دو ماه از حقوقهای معوقه را پرداخت کنند و دو ماه بقیه را به مرور پرداخت خواهند کرد. کارگران اعلام کردند اگر تا یک هفته دیگر این قول و قرارها اجرا نشود اعتصاب را از سر میگیرند.



## کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla\_daneshfar@yahoo.com

شهلا دانشفر

00447779898968

bahram.soroush@gmail.com

بهرام سروش

0044-7852 338334

بنای اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران روز پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت، اعتصاب کارگران شرکت پرهون طرح وابسته به نیروگاه سیکل ترکیبی در اعتراض به پرداخت نشده سه ماه دستمزدها، وارد سومین روز خود شد. بنا بر این گزارش بهزاد بیگی مدیر شرکت پرهون طرح با ارسال نامه ای به شرکت مادر (مپنا) اعلام کرده است که کارگران اعتصابی یک عده اخلاکگر و آشوبگر هستند. او ضمن قید اسامی کارگران اعتصابی از شرکت پیمانکاری (مپنا) خواسته است که طی ابلاغیه ای به همه شرکتهای پیمانکاری حاضر در نیروگاه سیکل ترکیبی اعلام کند که این کارگران را استخدام نکنند. مدیر شرکت با این نامه عملاً نشان داده است که کارگران اعتصابی را کارگران اخراجی فرض کرده است. اما کارگران مصمم به ادامه اعتصاب و اجرایی شدن مطالباتشان هستند. مدیر این شرکت تا کنون حاضر به مذاکره با کارگران نشده است. اما او اعلام کرده است کار را فعلاً بدون پرداخت دستمزدها ادامه بدهند و یا برکه تصفیه حساب را

سومین روز اعتصاب کارگران

نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج "پرهون طرح"

## اعتصاب کارگران پرهون طرح

گروه مکانیک و برق این شرکت



گزارشی تصویری از تظاهراتهای اول ماه مه : برلین، فنلاند، بوروس، یونان، اسلو، استکهلم، مالمو، هامبورگ، لیون، فرانکفورت، هانور، لندن، شیکاگو، کلن، اوتاوا، تورنتو



تورنتو



استکهلم



یونان



برلین



لیون فرانسه



اسلو، تروژ



لندن



Grand Lyon



کلن، آلمان



هانور



اتاوا



شیکاگو



هامبورگ



بوروس سوئد



فرانکفورت



فنلاند

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

## تجمع هزاران کارگر در میدان تحریر قاهره در مصر، با خواست افزایش حداقل دستمزدها و کمک هزینه های بیشتر و زندگی ای انسانی



### تظاهرات هزاران نفره در میدان تقسیم آنکارا در ترکیه

هزاران کارگر در میدان تقسیم استانبول در اول مه با خواسته های ایجاد مشاغل بیشتر، شرایط کار بهتر و دستمزد بالاتر اول مه را گرامی داشتند...



است. من به سهم خودم تاکیدم بر نکات زیر است:  
- اتحاد رهبران کارگران در اول مه، و تجسم عملی آن در اول مه با شکوه سنندج، نشان داد که این اتحاد و همبستگی امروز بیش از هر وقت یک ضرورت است و باید آن را مبنای هر حرکت و اعتراضی قرار دهیم.

- اول مه امروز ما را در موقعیت قدرتمند تری قرار داده است، در پرتو این دستاورد بزرگ و در پرتو توازن قوای جدیدی که بدنبال مبارزات هزاران نفره کارگران در پتروشیمی ماهشهر به نفع ما شکل گرفته است، در همه جا متشکل شویم. مجامع عمومی خود را به عنوان محلی برای اتحادمان و ستادی برای هدایت و پیشبرد مبارزاتمان منظم برپا کنیم و بدین ترتیب به تدارک اعتصابات گسترده و سراسری برویم.

- قطعنامه های اول مه، پرچم مبارزات ماست، دور خواسته های آن متحد شویم و اعتراضمان را به پیش بریم. بطور مثال هم اکنون در شهر سنندج در کارخانه پرمون طرح و نتن پارسیان بر سر دستمزدهای پرداخت

نشده در اعتراضند، این اعتراضات باید از موقعیت جدیدی که امروز در این شهر بلست آورده ایم نیرو بگیرد و با قدرت جلو رود. بدنبال این اتفاق ما

در این روز انتشار یافت و بیانیه های معلمان و دانشجویان و فراخوان های مختلف کارگران به مناسبت این روز، همگی جوهر واحد و مشترکی داشت. آنهم زیرورو کردن این جهان وارونه و ساختن جامعه ای آزاد و انسانی بود. و به این معنا ما در این روز شاهد اتحادی سراسری بر سر خواسته های انسانی بودیم.

در عین حال اول مه امسال کارگران با ایستادگی و پافشاری خود عزم جزم خود را برای دست یابی به زندگی در خور انسان نشان دادند. علیرغم سرکوب و فشار و تهدید جمهوری اسلامی ایستادند، جنگیدند و تلاش کردند این روز مهم را گرامی دارند. کارگران پاکدشت در فراخوان خود اعلام داشتند که با مجوز بی مجوز به خیابان خواهند آمد و به گفته خود عمل کردند و این روز را گرامی داشتند. در سنندج جمهوری اسلامی قبل از اول مه رهبران کارگری را دستگیر کرد، تهدید کرد و از آنها خواست که تعهد دهند که در مراسم این روز شرکت نخواهند کرد، اما کارگران با صلابت و جانانه ایستادند و گفتند که اول مه روز ماست و ما حق خود میدانیم که در این روز به خیابان بیاییم و اعتراضمان را به بیکاری و فقر و فلاکت اعلام کنیم. همچنین رضا شهبایی، منصور اسانلو این رهبران در بند کارگری، به مناسب اول مه پیام دادند و این روز را بعنوان روز اعتراض و همبستگی گرامی داشتند. و اکنون بعد از اول مه در سنندج شاهد تجمعات خانواده های دستگیر شدگان و کارگران در مقابل ستاد خبری جمهوری اسلامی، محل بازداشت دستگیر شدگان اول مه هستیم. آنها اعلام کرده اند که تا وقتی بازداشت شدگان آزاد نشوند به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

خلاصه کلام اینست که اول مه بطور واقعی طبقه کارگر و مبارزات کل مردم را گامی مهم به جلو برد. یک بار دیگر و به زبان طبقه کارگر خواسته های رادیکال و انسانی را به جلوی صحنه جامعه کشید. و در واقع بر روی دست همه کسانی که میکوشند جنبش انقلابی مردم را در چهارچوب نظام و حفظ ساختارهایش و با رنگ سبز قالب زنند، آب پاکی ریخت. اول مه امسال بدنبال اعتصابات هزاران نفره کارگران در پتروشیمی ماهشهر و در فضایی که سخن از به میدان آمدن، یقه آبی ها ست و اعتراضات کارگری هر چه وسیعتر میشود، روی میدهد.

### بعد از اول مه

اکنون در رابطه با ایران و بدنبال اول مه، اولین سوال در مقابل هر فعال و رهبر کارگری و در مقابل همه ما گامهای بعدی برای پیشروی بعدی

گذشته اعتراضات گسترده ای به این طرحها داشتند و در اول مه امسال این مساله يك موضوع مهم سخنرانی ها و اعتراض کارگران بود. در پرتو این وضعیت فضای اعتراض و رادیکالیسم در اول مه امسال برجسته تر بود. کارگران میگویند بار بحرانها را به دوش ما مردم نیندازید، ما تسلیم سیاستهای شما نخواهیم شد.

در ونکوور کانادا کارگران با شعار يك جهان يك جنبش به استقبال اول مه رفتند و این روز همبستگی جهانی را جشن گرفتند. در این تظاهرات مسعود ارژنگ یکی از کادراهای حزب کمونیست کارگری ایران و فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی سخنران بود. او در سخنرانی پرشور خود از اینکه تنها پاسخ سوسیالیسم است و بر شعار کارگران ونکوور يك جهان، يك جنبش و شعار مانیفست، شعار کارگران جهان متحد شوید تاکید گذاشت. او همچنین از ضرورت يك همبستگی جهانی سخن گفت و با اشاره به شرایط سخت و دشوار مبارزات کارگران ایران خواهان حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگران ایران و کارگران زندانی شد. سخنان مسعود ارژنگ با استقبال و کف زدن های تظاهر کنندگان روبرو شد.

در میدان التحریر قاهره در این روز هزاران کارگر و مردم معترض جمع شدند و با گرامی داشت اول مه در واقع تداوم انقلابشان را برای يك زندگی انسانی فریاد زدند. در ترکیه نیز بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران جمع شدند و این پیروزی بزرگ را که توانسته اند در جدالی خونین گرامی داشت این روز را بر دولت تحویل کنند، جشن گرفتند و خواسته های فوری خود، ایجاد شغل بیشتر، شرایط کار بهتر و دستمزد بالاتر را اعلام داشتند. تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران نیز در این روز در کشورهای مختلف در مراسم های اول مه شرکت کردند و عکس های مارکس و بنرهایی با شعار سوسیالیسم را بر افراشتند. میزهای اطلاعاتی گذاشتند و در مورد وضع کارگران در ایران و ضرورت يك همبستگی جهانی کارگری تاکید کردند. در این روز عکس های کارگران زندانی در ایران در تمام کشورها وسیعا بر سردست بلند شد. در لیون فرانسه با تلاش دینی کوهی از فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی و کادر حزب کمونیست کارگری ایران، این عکس ها



## نگاهی به اول مه... از صفحه ۱

به صف کارگران س، ژ، ت برده شد و در جلوی مارش اعتراضی این کارگران به نشانه همبستگی بدست گرفته شد. عکس دینی کوهی در حالیکه جلوی صف راهپیمایی کارگران با عکس کارگران زندانی حرکت میکرد، در صفحه اول روزنامه فرانسوی زبان این شهر منتشر شد. در فرانکفورت نیز با ابتکار شهناز مرتب از فعالین حزب کمونیست کارگری ایران، طوماری با خواست اخراج جمهوری اسلامی، این رژیم اعدام و سرکوب از سازمان جهانی کار به امضا گذاشته شده و با استقبال خوبی روبرو شد.

در ایران نیز اول مه متفاوت از هر سال بود. نقطه اوج اول مه امسال در ایران اول مه سرخ و رادیکال در شهر سنندج، این شهر اول مه ها بود. که در صدر اتفاقات مهم این روز در سطح جهان درخشید. و همچون اتفاقی مهم در تاریخ اول مه ها و جنبش کارگری در ایران به ثبت رسید. جنب و جوش برای برگزاری اول مه امسال بیش از هر وقت وسیع بود و نقطه قابل توجه آن ظاهر شدن صف متحد رهبران و فعالین کارگری با قطعنامه ای مشترک بود. ثمره این اتحاد و همبستگی شکل گیری اول مه با شکوه و عظیم در شهر سنندج بود. زنده باد به همه دست اندرکاران و سازماندهندگان این روز بزرگ تاریخی.

قطعنامه هفت تشکل کارگری بطور واقعی، کیفرخواست کارگران و کل جامعه علیه توحش سرمایه داری بود و در روز جهانی کارگر، در این روز مهم، کارگران با این کیفرخواست با قدرت جلو آمدند و اعلام داشتند که دیگر به این بردگی تن نخواهند داد. قطعنامه های کارگران در این روز بطور واقعی در مقابل جنبش های اسلامی و ناسیونالیستی ارتجاعی، در مقابل تقدس دادن به مالکیت و استثمار و مذهب و عقب ماندگی، آلترناتیو کارگری و رهایی از شر سرمایه داری را قرار داد و انسانیت و سوسیالیسم را نمایندگی کرد. قطعنامه هایی که به زبانهای مختلف در سطح جهان ترجمه شد و وجود این روز را حتی به راست ترین جریانات بورژوازی و رسانه هایی چون بی بی سی و غیره تحمیل کرد و ناگزیر از آن نام بردند. نکته جالب اینجاست که دیگر قطعنامه هایی که

**شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی**

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

**سوئد:**

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۷۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

**آلمان:**

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

**کانادا:**

, Scotiabank Canada, ICRC  
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
Account #: 84392 00269 13

**هلند:**

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

**آمریکا:**

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
, Bank: NatWest branch: Wood Green  
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

اعدام کرد. سه نفر در شیراز به اتهام محاربه در ملا عام اعدام شدند. و همه اینها نشان میدهد که جلادان، برای ادامه حیات و ایجاد وحشت در جامعه، به اعدام نوجوانان و اعدام در ملا عام دست میزنند.

مردم آزاده ایران!

همانگونه که می بینید، بین صفوف مختلف جانپان، شکاف عمیقی افتاده و اکنون در ایران

مفتخوران و جنایتکاران حاکم به جان یکدیگر افتاده و رییس جمهور تیر خلاص زن آنها، اعتصاب کرده و رهبر جلادشان در چنین بلبشویی، از " آرامش " در بالا حرف میزند. وحشت آنها از شما مردم است. برای پایان دادن به حاکمیتی مشتتی مفتخور و لمپن اسلامی، برای پایان دادن به اعدام و سنگسار و فقر و فلاکت، برای آزادی همه زندانیان سیاسی و برای رسیدن به یک زندگی انسانی، باید به پا خاست.

جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد. به پا خیزیم و برای نجات جان محکومین به اعدام و نجات جان همه زندانیان سیاسی، حکومت اسلامی را سرنگون کنیم. این مهمترین پیام اول ماه مه روز جهانی کارگر است. کمیته بین المللی علیه اعدام اول ماه مه ۲۰۱۱

**شیرکو زنده است. در ارومیه، سقز و سنندج مردم دیشب علیه حکم اعدام شیرکو تجمع کردند.**

زنده باد اول ماه مه! زنده باد مبارزات گسترده علیه اعدام!

روز جهانی کارگر اول ماه از راه رسید، در حالیکه از دو ماه پیش اراذل و اوباش حاکم بر ایران، برای زهر چشم گرفتن و ترساندن مردم، اعلام کرده بودند که شیرکو معارفی فعال سیاسی را روز اول ماه مه اعدام خواهند کرد.

دو سال قبل در چنین روزی، حکومت فاشیست اسلامی، دلارا دارابی دختر جوان و هنرمند را اعدام کرد و اول ماه را بر کام همگان تلخ کرد. امسال نیز میخواهند، یک فعال سیاسی را بکشند، اما خوشبختانه، طبق اخباری که به ما رسیده، شیرکو امروز اعدام نشده است. او از سه روز قبل برای مقابله با این قتل و برای دادن پیام خود به بیرون که میخواهد زنده بماند و از دیگران دعوت میکند که اعتراض کنند، به اعتصاب غذا دست زده بود. روز گذشته اعلام شد که شیرکو را به سلول انفرادی منتقل کرده اند و این برای ما زنگ خطری بود که ممکنست شیرکو را اعدام کنند. روز شبیه در شهرهای ارومیه و سقز و

حکومت اسلامی ایران در اواخر فروردین ماه در بندر عباس چهار نفر را در ملا عام اعدام کرد که دو نفر از آنها در هنگام دستگیری کمتر از ۱۸ سال سن داشتند. همچنین حکومت اسلامی ایران روز ۱۰ اردیبهشت یک نفر را در موسی آباد آشتیان در استان مرکزی به اتهام محاربه در ملا عام

**هزاران کارگر ۵ پتروشیمی ماهشهر بار دیگر دست به اعتصاب زدند**

ماهشهر، کارگران لوله سازی ماهشهر که در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زده اند و سایر کارگران ماهشهر و اعضای خانواده های آنها را به برگزاری تجمعات بزرگ اول مه فرامیخوانند. اول مه فرصتی است که اتحاد خود را هرچه بیشتر مستحکم کنیم و با قدرت بر خواست های خود تاکید کنیم.

زنده یاد اعتصاب متحدانه کارگران پتروشیمی های ماهشهر مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم، زنده باد اول مه، ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر حزب کمونیست کارگری ایران ۹ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۹ آوریل ۲۰۱۱

یعنی دولت و کارفرماها باید تعهد کتبی بدهند که ظرف سه ماه با آنها قرارداد مستقیم خواهند بست و به کار شرکت های پیمانی طرف حساب کارگران پایان داده خواهد شد. کارگران اعدام کردند در صورت عدم دریافت جواب، روز شبیه ۱۰ اردیبهشت نیز به اعتصاب ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری، از خواست کارگران پتروشیمی ها قاطعانه حمایت میکند و از کلیه کارگران ماهشهر بویژه کارگران پتروشیمی بندر امام میخواهد که از مبارزه و خواست کارگران این ۵ پتروشیمی حمایت کنند. حزب کلیه کارگران پتروشیمی های

**نگاهی به اول مه...**

از صفحه ۱۰

تجمعاتمان در برابر بازداشتگاههای جمهوری اسلامی ادامه دهیم و نه تنها دستگیر شدگان اول مه بلکه همه زندانیان سیاسی را از زندان آزاد کنیم. ما باید بکشیم در مقابل اعدامها بایستیم و شیرکو معارفی و دیگر کسانی که خطر اعدام بالای سرشان است را از جنگ این جانپان رها کنیم. و بدین ترتیب مبارزه برای

باید در این شهر شاهد، احیای دوباره مجمع عمومی مشترک نمایندگان کارخانجات مختلف و هدایت مبارزات متحد و همزمان کارگران باشیم. ما باید شاهد سازمانیابی جوانان در محلات و بویژه نقش برجسته و سازمانیافته جوانان و زنان در جنبش نپرداختن قبض ها باشیم. ما باید متحد و یکپارچه به

پیشبرد خواستهای اول مه را متحد و سازمانیافته جلو ببریم.

همچنین در تهران و همه شهرها و مراکز کارگری، توازن قوا به نفع ما تغییر کرده است. اکنون در هر شهر در دهها مرکز کارگری همزمان اعتراض و مبارزه است، با تماس و ارتباط با یکدیگر میتوان این مبارزات را متحد و همزمان کرد و بیشترین همبستگی مردم را به آن جلب کرد. مبارزات هزاران کارگر پتروشیمی

بنا بر آخرین خبر روز های ۱۰ و ۱۱ اردیبهشت اعتصاب ادامه یافت، اما بدلیل بی آب و هوا و گرد و غبار فراوان کارگران نتوانستند تجمع کنند. هفته گذشته اکثر روزها بدلیل گرد و غبار شدید این اعتراضات با مشکل روبرو شد. اما کارفرمایان که با

خود را بر محیط های دانشجویی گذاشته است. دور جدیدی از اعتراضات دانشجویان شروع شده است. دانشجویان فراخوان به اعتصاب سراسری در ۲۵ اردیبهشت داده اند. گسترش اعتراضات کارگری به مبارزات دانشجویان و کل بخش های جامعه قدرت خواهد داد. بعد از اول مه ما قدرتمند تریم، با قدرت متحدانمان جلو برویم.\*

افق جدیدی در مقابل جنبش اعتراضی مردم و کارگران قرار داد. متغایابا فشار سراسری اعتراضات ما بهترین شکل حمایت ما از مبارزات این کارگران است که در این مدت سه ماهه ای که کارفرمایان و دولت فرصت گرفته اند، نتوانند زیر تعهداتشان بزنند. به پیروزی رساندن مبارزات کارگران پتروشیمی، سنگر مهمی است که باید فتح کنیم. در عین حال کل این فضا تاثیر

## مرگ مجدد بن لادن!...

نوع شایعه و حدس و گمانی. تیر خلاص به اسلام سیاسی را موج انقلابی خاورمیانه و شمال آفریقا شلیک کرد. نه تنها بن لادن بلکه کل تروریسم اسلامی و جنبش اسلام سیاسی از مدتها قبل به سراشیب مرگ افتاده بود اما آنچه ضربه کاری و نهائی را به اسلام سیاسی وارد کرد انقلابات تونس و مصر و کل خیزش انقلابی عظیم جاری در کشورهای اسلامزده است. این انقلابات در کشورهای عرب زبان و بوسیله توده مردم "مسلمان"، یا بعبارت صحیح تر منسوب به اسلام، و در کمپ غرب و علییه دیکتاتورهای دست نشانده "شیطان بزرگ" رخ میدهد و با این همه القاعده و کل جریان اسلام سیاسی در این تحولات هیچگاه است. اسلام سیاسی با ضد آمریکائی گری و غرب ستیزی به معنی مخالفت با فرهنگ و تمدن غربی از یک موضع ارتجاعی، با آنتی سمیتیزم و ضد یهودیگری، با زن ستیزی و با

### از صفحه ۱

اسلامیت و دولت اسلامی و قوانین اسلامی مشخص میشود و هیچیک از این عوامل در شکل دادن به انقلابات جاری مطلقا نقشی نداشته است. بر عکس حرکت توده های مردم در این کشورها کاملا در نقطه مقابل اسلام سیاسی و اهداف و سیاستها و ارزشهایش قرار دارد. مردم بیباخته خواهان نان و آزادی و حرمت انسانی هستند، خواهان برخورداری از آخرین امکانات و دستاوردهای مادی و فرهنگی قرن بیست و یکم هستند و نیروهای اسلامی، همانطور که جوانان غزه حدود یکماه قبل از انقلاب تونس اعلام کردند، سد و مانعی در برابر همه این خواستها و تمایلات انسانی توده مردم محروم در این کشورها بشمار میروند.

از سوی دیگر و در یک سطح عمیق تری این انقلابات نقطه پایانی بود به ترنسبیت فرهنگی و مالتی کالچریسم و تقسیم مردم دنیا به مذاهب و اقوام و قبایل و کلا

نظریات سیاسی - فلسفی ارتجاعی ای که بنوبه خود به نیروهای اسلامی و ارتجاع نئو کنسرواتیستی هر دو زمینه بروز و عرض اندام میداد. همه مردم دنیا این واقعیت را دیدند که انقلابات جاری در کشورهای "اسلامی" و "عربی" نه به عربیت ربطی دارد و نه به اسلامیت. همه دیدند که از تونس و قاهره تا صنعا و بنغازی و سلیمانیه و درعا توده مردم برای تحقق خواستها و آرزوها و ارزشهای جهانشمول انسانی بپا خاسته اند و به این ترتیب تن نسبت فرهنگی و همه تقسیمبندیها و هویت تراشیهای مذهبی و ملی و قومی و نژادی برای افراد و جوامع و در "فرهنگها" و "تمدنها" به یکباره و در یک تجربه عظیم اجتماعی دود شد و بهوا رفت. در مقابل، آنچه بجلو رانده شد، آنچه به سر تیتتر روزنامه ها و صدر اخبار رانده شد و در مرکز توجه افکار عمومی مردم دنیا قرار گرفت گفتمان انقلاب و حقانیت و مظلومیت انقلاب بود.

این شکل گیری انقلابات آزادیخواهانه و اعاده حیثیت از انقلاب تنها پادهرتروریسم اسلامی

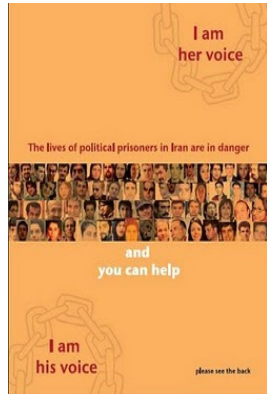
نیست. بلکه بهمان میزان زیر پای قطب مقابل اسلامیتها یعنی میلیتاریسم نظم نوینی را نیز خالی میکند. در این مورد هم شکلگیری انقلابات جاری نقش ضربه آخر را دارد. سیرافول نئوکنسرواتیسم و قلدمنتشیهای میلیتاریستی اش از مدتها قبل آغاز شده بود. درماندگی آمریکا و متحدینش در عراق و افغانستان و تشدید بحران اقتصادی و بی اعتباری و بن بست سرمایه داری بازار آزاد و مکتب شیکاگو نشاندهنده دو وجه مهم از سیر افول میلیتاریسم و نئوکنسرواتیسم هستند. انقلابات منطقه فاکتور تازه ای را وارد صحنه کرد: فاکتور قدرت مردم دخالتگری و تاثیر گذاری مردم در روند اوضاع سیاسی و تعیین سرنوشت سیاسی خود. انقلاب در مقابل و علیرغم سیاستها و اهداف و منافع طرفین فرسوده و از نفس افتاده جنگ تروریستها سر بلند کرد و به دو دهه تاخت و تاز تروریستهای دولتی و مذهبی نقطه پایان گذاشت.

در چنین شرایطی کشته شدن بن لادن، بهمره شایعات و حدس و گمانه زنیهای که حول آن درگرفته به نحو

سمبلیکی پایان یک دوره سیاه در تاریخ معاصر را رقم میزند. این احتمال کم نیست که نیروهای اسلامی دست به عملیات انتقامجویانه بزنند و از آنسو دولت آمریکا بکوشد از "عملیات قهرمانانه" کوماندهایش پلاتفرمی برای تقویت موقعیت تضعیف شده خود بسازد. قتل بن لادین این فرصت را برای طرفین جنگ تروریستها فراهم می آورد. اما این آخرین تلاشهای نیروهائی است که دورانشان به سر رسیده است. ما از مدتها قبل اعلام کرده بودیم که جواب جنگ تروریستها را تنها مردم متمن جهان میتوانند بدهند و اکنون بخشی از این جهان متمن در یکی از محرومترین مناطق جهان به صحنه آمده است.

بی شک خبر کشته شدن بن لادن از داغی خواهد افتاد و گرد و خاک شایعات نیز فرو خواهد نشست. آنچه بر جای میماند پژواک جهانی انقلابی است که با پرچم رفاه و آزادی و برابری نوید بخش دوران تازه ای در تاریخ معاصر است. \*

### کارت پستال کارزار "من صدای او هستم"



زندانی سیاسی آزاد بایدگردد  
مجازات اعدام لغو بایدگردد  
مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت  
کارگری  
کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب  
کمونیست ایران  
۲۳ آپریل ۲۰۱۱

ما تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران با تمام توان خود، تلاش میکنیم، در سراسر جهان، در هر کشوری که حضور داریم، جنایت های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را نسبت به زندانیان سیاسی و فعالین جنبش های اجتماعی افشا نموده و موجبات رسوائی هرچه بیشتر این رژیم جنایتکار را فراهم نماییم.

ما بمسهم خود از کلیه نهادها، کمیتهها، کانون ها، احزاب و سازمان های مترقی و انقلابی درخواست میکنیم به این کمپین ملحق شوند و به سهم خود از زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی ایران حمایت کنند. تنها عزم و اراده توده های مردم در داخل و حمایت وسیع از آنان در خارج کشور است که میتواند رژیم جمهوری اسلامی را بمعقب نشینی وادارد.

### به کمپین ۲۰ ژوئن در حمایت از زندانیان سیاسی پیوندیم

جمهوری اسلامی را به صدا درآوریم. دراین اعتراضات قادر شدیم به جهانیان نشان دهیم سگ زرد برادر شغال است و از نظر مردم مبارز ایران اصلاح طلبان حکومتی بخشی از جیره خواران رژیم جمهوری اسلامی اند که سالها، در تمام جنایت های این رژیم شریک و سهمیم بوده اند. دراین روز ما توانستیم بخشی از پتانسیل عظیمی را که نیروهای چپ و سوسیالیست در بسیج ایرانیان خارج از کشور دارند نشان دهیم.

کمپین دفاع از زندانی سیاسی تا محو کامل تمام جرائم سیاسی و تا آزادی کلیه زندانیان سیاسی از بند دژخیمان جمهوری اسلامی باید مستمرا ادامه داشته باشد. بعد از اعتراض های موفق بین المللی ۲۹ ژانویه و ۲۲ آپریل ۲۰۱۱، هم اکنون نیروهای مترقی، چپ و کمونیست در تدارک برپائی کمپین ۲۰ ژوئن بعنوان روز حمایت از زندانیان سیاسی هستند.

مطالبات آزادیخواهانه دانشجویان، تسلیم ناپذیری جوانان و ناراضیاتی رو به گسترش توده های مردم، همه دال براین است که، سیاست سرکوب و خفقان قادر نیست نیات پلید و ضدانسانی رژیم جمهوری اسلامی را تأمین کند.

کارگران، زنان و مردان آزادیخواه، نهادهای مدافع زندانیان سیاسی، احزاب و سازمان های کمونیست! واقعیت این است که برای بازداشتن دست رژیم از تعرض به جان زندانیان سیاسی، نیروئی به مرایب عظیم تر و حرکتی به مراتب گسترده تر ضروری است.

ما باهم و در کنار هم اعتراض بین المللی ۲۹ ژانویه ۲۰۱۱ را در مخالفت با اعدام و دفاع از زندانیان سیاسی و همچنین اعتراض جهانی ۲۲ آوریل ۲۰۱۱ را سازمان دادیم و پیش بردیم و در یک هماهنگی باشکوه توانستیم همزمان در بیش از ۴۰ پایتخت و شهر بزرگ دنیا ناقوس رسوائی رژیم جنایت کار

سیر رو به افزایش بازداشت، محاکمه، اسارت و اعدام فعالین جنبش های اجتماعی، اگرچه تعجیل در اجرای همان پروژه ای است که "لاریجانی" رئیس قوه قضائی رژیم، در مردادماه سال ۱۳۸۹ اقدام به اجرای آن نموده و براساس آن قرار است با، به اجرا کردن حکم اعدام ۱۱۲۰ زندانی و تسریع در بازداشت و محاکمه و محکوم کردن فعالین جنبش کارگری، زنان، دانشجویان و سایر جنبش های اجتماعی، قادر شوند جامعه را به تمکین و سکوت و اطاعت وادار نمایند، اما تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا و سیر رو به اعتدالی مبارزات توده های مردم موجب شده، رژیم هار سرمایه داری جمهوری اسلامی در اجرای این پروژه سرعت عمل بیشتری به کار برد.

تداوم و گسترش مبارزات کارگران برای تحقق مطالبات برحقشان، تلاش و ایستادگی زنان مبارز برای خنثی کردن بازگوان آپارتاید جنسی، اعتدالی هرچهبیشتر

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

### تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

## جمهوری اسلامی و "هدفمند کردن یارانه ها"

محمد شکوهی



بیش از چهار ماه از تصویب و اجرای طرح "هدفمند کردن یارانه ها" می گذرد. در طول این مدت حکومت و دولت نهایت سعی و تلاش هایشان را برای جا انداختن و مقبولیت عامه دادن به این طرح، که خودشان آن را "جراحی بزرگ اقتصادی" ۳۰ ساله اخیر می نامند، به کار گرفته اند تا به قول برخی کارگزاران حکومت "تف سربالا" نباشد. معنی واقعی طرح هدفمند کردن یارانه ها، حذف سوبسید کالاهای اساسی مورد مصرف مردم و به یک معنا نسخه قدیمی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و تحمیل ریاضت اقتصادی بر گرده مردم می باشد. سیاستی که جمهوری اسلامی برای مداوای اقتصاد بحران زده و زمین گیر شده اش، در دستور کار خود گذاشته است و بعنوان تنها راه نجات تمام امکانات حکومت و حتی نیروی نظامی خود را برای متحقق کردن این سیاست به کار گرفته است. اما بعد از گذشت چهار ماه طرح هدفمند کردن یارانه ها به کجا رسیده؟ اثرات و تبعات و نتایج اجرای این طرح بر زندگی مردم و اقتصاد بیمار رژیم چه بوده است؟ اینها از جمله پرسش هایی هستند که نه فقط مردم دارند، بلکه کل حکومت و باند های شریک در قدرت را هم نگران و هراسان ساخته است.

در هفته ای که گذشت "محمد رضا فرزین" سخنگوی "طرح تحول اقتصادی" دولت به ارزیابی وضعیت طرح حذف یارانه ها و اقدامات و سیاست های بعدی حکومت پرداخت. او اعلام کرد که بیش از ۱۵ درصد از کسانی که فرم های مربوط به جمع آوری اطلاعات اقتصادی خانوارها را پر کرده اند، از دریافت یارانه منصرف شده اند، ولی مبالغ واریز شده به حساب های این دسته از متقاضیان واریز شده و می توانند آن را برداشت کنند. وی سپس به مشکلات و مسائل پیش آمده در اجرای طرح پرداخته و مدعی شد که احمدی نژاد درست تشخیص داده و همانطور که او ارزیابی کرده از بدو تصویب تا اجرا و

مختلف مافیای مالی و اقتصادی حکومت شده و شروع به افشاگری بر علیه یکدیگر کرده اند. این مسئله حتی در مجلس هم منجر به جر و بحث های تند و حتی کتک کاری شده است.

بعد از گذشت ۴ ماه اثرات حذف یارانه ها در زندگی مردم خود را نشان داده و بقول مسئولین رژیم شوک اقتصادی وارد شده. به فاصله ۲۴ ساعت پس از به اجرا آمدن این طرح، قیمت کالاهای اساسی مورد مصرف مردم بیش از ۲۸ درصد بالا رفت. بعضی از کالا ها نایاب شد و فرصت مناسبی به دلان و محسنان و بازاریان برای بالا بردن قیمت ها و چپاول و غارت داد. دولت با این توجیه بی شرمانه که با پرداخت یارانه نقدی "قدرت خرید مردم" بالا رفته و افزایش قیمت ها را احساس نخواهند کرد، به حمایت همه جانبه از سیاست های بازار پرداخت. ترس از عواقب این طرح و نگرانی از واکنش مردم اختلاف بین باند های حکومتی را افزایش داده است و بخش هایی از آنها با "پز" دفاع از افشار محروم خواهان تجدید نظر در این سیاست شده اند. اما دولت و خامنه ای خواهان اجرای کامل این طرح بوده و اعلام کرده اند که هر گونه سستی در اجرای این طرح آن هم در سال "جهاد اقتصادی"، ضربه ای بزرگی به اقتصاد رژیم خواهد بود. نحوه تامین مالی یارانه ها همچنان موضوع کشمکش درون رژیم است که در روزهای اخیر شدت آن بیشتر شده است.

طرح هدفمند کردن یارانه طرح تحمیل ریاضت اقتصادی، تورم و گرانی و فقر و فلاکت باز هم بیشتر بر گرده مردم است. پرداخت یارانه ناچیز نقدی نه فقط قدرت خرید افشار مزد بگیر را بالا نبرده، بلکه قدرت خرید مردم و هزینه های جاری زندگی و تامین معیشت اکثریت مردم را پائین تر هم آورده است. اثرات روانی پرداخت پول نقد که حکومت انتظار مثبتی از آن داشت، دود شده و هوا رفت. اکنون بعد از گذشت چهار ماه از اجرای طرح، رژیم اعتراف می کند که افزایش قیمت ها در کنار تورم، زندگی را برای مردم سخت تر کرده است. همه چیز گرانت تر شده و افزایش قیمت داشته به غیر از قیمت نیروی کار کارگر و

افشار مزد بگیر. بهداشت و درمان، حمل و نقل، مسکن و تعرفه های مخابراتی و پستی گرفته تا کرایه تاکسی و اتوبوس و هزینه های مداوا و درمان افزایشی بالای ۳۰ درصد داشته است. مسئولین دولتی بیشتر مانده اعلام کرده اند که هنوز این همه گرانی نیست و برای اینکه این طرح عملی بشود و به نتیجه دلخواه حکومت برسد، گرانی های باز هم بیشتری در راه خواهد بود. از مردم خواسته اند تا الگوی مصرفشان را تغییر بدهند، صبر و تحمل ومدارا داشته باشند، تا در نتیجه اجرای این طرح رونق اقتصادی بوجود آید و

### چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

مزایای خود شدند.

#### اعتراض کارگران اخراجی

مدن آق دره مقابل

#### فرمانداری تکاب

کارگران اخراجی معدن آق دره تکاب روز یکشنبه ۴ اردیبهشت در مقابل درب ورودی و حیاط فرمانداری این شهرستان تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران که چند روز پیش به علت آنچه که تعطیلی کارخانه طلای آقدره اعلام شده بود بیکار شده بودند با برگزاری این تجمع خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.

#### اعتراض کارگران اخراجی

کشتارگاه مرغ (مرینگ)

#### سنندج

بنابه خبری که منتشر شده است، کشتارگاه مرغ پر سنندج در محور سنندج- کامیاران واقع است. کارفرمای کشتارگاه مرغ پر سنندج ۴ ماه پیش، ۳۰ نفر از کارگران این شرکت را اخراج کرده و هنوز حقوق و مزایای آنها را نپرداخته است. این کارگران بعد از اخراج به اداره کار سنندج مراجعه و طرح شکایت کرده اند. این کارگران صبح روز دوشنبه ۲۹ فروردین مقابل استانداری تجمع کرده و خواهان بازگشت به کار شدند، اما جوابی دریافت نکردند. در ادامه و در روز ۳۰ فروردین مقابل اداره کار تجمع کرده و گفتند تا از طرف مسئولین مربوطه پاسخی روشنی نگیرند، هم چنان به اعتراض برای بازگشت به کار خود ادامه خواهند داد.

#### تجمع اعتراضی بیش از ۱۰۰۰

نفر از کارگران کارخانه کیان

#### تایر

روز سه شنبه ۶ اردیبهشت بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران کارخانه کیان تایر در مقابل کارخانه، در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه دستمزدهای معوقه خود دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران اعلام کرده اند که در صورت پرداخت نشدن دستمزدهای معوقه، به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

#### اعتصاب کارگران کارخانه

تراکتور سازی تبریز

بنابه خبری که منتشر شده است کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز جهت دستیابی به مطالبات خود دست به اعتصاب زدند و ضمن خودداری از کار در این کارخانه اجتماع نمودند. این اعتصاب با خواست پرداخت فوری دستمزدها و مطالبات معوقه، رسمی کردن کارگران با بیش از پنج سال سابقه کار، بازنشسته کردن کارگران با بیش از ۲۰ سال سابقه کار، بازگشت به کار کارگران اخراجی و قرار گرفتن دوباره این کارخانه تحت پوشش مجتمع تراکتور سازی ایران بر پا گردید.

#### اعتصاب ۱۰۰ تن از کارگران

کارخانه پاک پی

بنابه خبری که روز ۵ اردیبهشت منتشر شده است، در پی عدم پرداخت حقوق پرسنل و کارگران کارخانه لبنیات پاستوریزه پاک پی ۱۰۰ نفر از پرسنل این شرکت دست به اعتصاب زدند. این اعتصابیون خواهان دریافت حقوق معوقه و سایر

# نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!



گیری تظاهرات توسط جوانان شوند. اما مهمترین وجه اول مه امسال این بود که روحیه و عزمی جدید در طبقه کارگر ایران را با وضوح بیشتری اثبات کرد. روحیه و عزمی که بدنبال اعتصاب کارگران پتروشیمی و موفقیت آنها درست قبل از اول مه شواهد آن کاملاً محسوس بود. اکنون پس از روز

کارگر با قطعیت بیشتر میتوانیم از فضای جدید و تعرضی در جنبش کارگری ایران صحبت کنیم. رشد اعتراضات توده ای و کارگری به اوضاع بسیار وخامتبار اقتصادی، وجود یک جنبش سرنگونی طلبانه انقلابی در ایران که مترصد است رژیم جمهوری اسلامی را پایین کشد، و موج انقلاب های آفریقا و منطقه خاورمیانه از جمله پایه های شکل گیری این روحیه و اراده اعتراضی در طبقه کارگر است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد سوسیالیسم  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۳مه ۲۰۱۱، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰

اداره صنایع استان راهپیمایی می کنند. کارگران معترض شرکت مخابرات راه دور شیراز خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده خود که به ۲۲ ماه می رسد شده اند. این کارگران همچنین خواستار اجرای قانون بازنشستگی هستند. این کارگران اعلام کرده اند، تا رسیدن به خواسته هایشان به تحصن خود ادامه خواهند داد.

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

به جناح مغضوب و "اصلاح طلب" رژیم نیز هریک به سهم خود، ولو به اکراه و احتیاط، سعی کردند "تبریک روزکارگر" عرض کنند! گروهی از آکادمیسین های ایرانی در کنار امثال "چامسکی" و "ژیژاک" به کارگران ایران پیام فرستادند و با کارگران زندانی اعلام همبستگی کردند. میدیای فارسی زبان نظیر بی بی سی و صدای آمریکا گرچه اخبار اجتماعات شورانگیز کارگران در اول مه را مسکوت گذاردند با این همه نتوانستند از کنار اول مه بگذرند و برخی اخبار و بیانیتهای کارگران را منعکس کردند. اینها هم به سهم خود کوشیدند تا از جنبش کارگری ایران و مطالبات و رادیکالیسم آن تصویری صنفی - اقتصادی بدست دهند.

اول ماه امسال طبعاً مورد استقبال جوانان و مردم سرنگونی طلب و انقلابی قرار گرفت. در سنج و هر جا که کارگران اجتماع و تظاهرات داشتند، مردم استقبال میکردند و به آنان می پیوستند. علاوه گروههایی از دانشجویان و جوانان با استفاده از فیسبوک فراخوان تظاهرات در اول مه دادند. بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت اوباش وحشت زده اسلامی در خیابانهای تهران حضور محسوس داشتند تا مانع شکل

تروریسم اسلامی جمهوری اسلامی در ایران است و با به زیر کشیدن جمهوری اسلامی با انقلاب مردم ایران این جنبش بطوراساسی از صحنه سیاسی جهان کنار زده خواهد شد.

جهان طی ده سال گذشته صحنه جنگ و جنایات بیرحمانه تروریسم اسلامی و تروریسم نظم نوینی بوده است. افول این دو قطب تا اینجا اساساً در نتیجه فشار جنبشها و اعتراضات و افکار عمومی مردمی بوده است که قطب سوم و انسانی را در مقابل این دو قطب تروریستی و بورژوازی نمایندگی میکنند. همین قطب سوم است که میتواند و باید صحنه را عوض کند، دنیای انسانی و امن را رقم زند و به تروریسم و جنگ و کشتار تروریستها برای همیشه مهر پایان بگذارد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۲ مه ۲۰۱۱

## ارزیابی از اول مه ۱۳۹۰ ایران

آن نه فقط خواستهای فوری کارگران نظیر افزایش دستمزد و حق تشکل، لغو قراردادهای برده وار را مطرح کرده بودند بلکه بر خواست های فوری مردم ایران در مقابله با فلاکت اقتصادی و "حذف یارانه ها" و بر خواست های مهمی نظیر لغو اعدام، آزادی زندانیان سیاسی و برابری زن و مرد تاکید کرده بودند. در این قطعهنامه همچنین با جنبش های انقلابی جاری شمال آفریقا و خاورمیانه اعلام همبستگی شده بود. از این لحاظ هم اول مه ۲۰۱۱ در ایران شاخص بود. چرا که بار دیگر نشان داد کارگران ایران با درک روشن از موقعیت سیاسی جهان و ایران صرفاً در چهارچوب اصلاحاتی در وضع موجود نمی اندیشند بلکه میکوشند در پیشاپیش مردم انقلابی اوضاع ایران را به نفع آزادی و برابری تغییر دهند و نقشی تاریخ ساز و جهانی ایفاء کنند.

اول مه ۲۰۱۱ در ایران را همینطور میشود در عکس العمل بورژوازی چه در قدرت و چه در اپوزیسیون ارزیابی کرد. خامنه ای چند روز قبل از اول مه با گروهی دیدار داشت و طبق معمول از کارگران مجیزگویی کرد. "شورای سبز امید" وابستگان دور و نزدیک

اول مه ۲۰۱۱، روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰)، پیشروی مهم برای آزادیخواهی و برابری طبیبی کارگری و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی در ایران بود. سنج سرخ اینبار هم بر تارک اول مه درخشید. برپایی چند اجتماع علیرغم اختناق و سرکوب سنگین اسلامی، برافراشتن پلاکارد های سرخ و طرح شعارهای رادیکال و سوسیالیستی کارگران در مرکز شهر و استقبال پرشور مردم از آن نه فقط در تاریخ اول مه ایران ثبت میشود، که در مقیاس جهانی و با هر معیاری اول مه سنج از نمونه های قابل توجه اجتماعات روز کارگر ۲۰۱۱ بود. اما سنج تنها نوک کوه یخ بود. در بسیاری شهرها از تهران گرفته تا اهواز و از کامیاران و مهاباد گرفته تا مسجد سلیمان و شیراز و غیره، کارگران با برپایی اجتماعات اعتراضی در میداين اصلی شهر، در برابر مراکز اداری و صنعتی و یا گردهمایی در خارج شهر و تصویب قطعنامه ها حال و هوای جدیدی در جنبش کارگری را به نمایش گذاشتند. از چند روز قبل از اول مه ۷ تشکیل کارگری در اقدامی مشترک قطعنامه ای صادر کرده بودند که در

## اسامه بن لادن به قتل رسید

قادر به احیای تروریسم نظم نوینی آمریکا و بورژوازی غرب که پیش از این شکستش محرز شده و به پشت صحنه رانده شد، نخواهد بود.

افول اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی با خیزش میلیونی مردم در سال ۸۸ علیه جمهوری اسلامی آشکارتر شد، با انقلابات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برگشت ناپذیر و قطعی گردید و کشته شدن بن لادن کل این روند را تسریع خواهد کرد. اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در دوره اخیر، و مشخصاً سازمان القاعده تماماً دست ساز و مخلوق بورژوازی غرب و دوره جنگ سرد است که در مقابل چپ و کمونیسم علم شد و با پایان دوره جنگ سرد، جنگ مرگ و زندگی را علیه خالقین خود شروع کرد. ستون اصلی جنبش اسلام سیاسی و

حذف بن لادن از صحنه جهان بی تردید برای اکثریت عظیم مردم جهان خوشحال کننده است. بن لادن سمبل تروریسم به مفهوم دقیق کلمه بود. او در راس سازمان القاعده کشتار بیرحمانه و کور زن و مرد و بیبروجوان در هر گوشه جهان را پلانتفرم و هدف خود تعرف کرده و طی ده سال گذشته بزرگترین جنایات تروریستی تاریخ را به اجرا گذاشت. کشته شدن او به دست نیروهای آمریکائی طبعاً یک پیروزی برای دولت آمریکاست و بیشک دولت آمریکا تلاش خواهد کرد از این موفقیت در جهت تقویت سیاستهای سلطه جویانه خود استفاده کند، اما این پیروزی حداکثر میتواند در رقابتهای داخلی احزاب اصلی آمریکا مورد استفاده قرار گیرد و بلرجه محدودی شکستهای تانکونی حکومت آمریکا را ترمیم کند، اما

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!